

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

متن کامل سخنان نماینده اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل در محضر رهبر انقلاب	۱
بیانیه اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل به مناسبت روز جهانی قدس	۷
بیانیه اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل پیرامون موج جدید اسلام هراسی	۱۰
بیانیه اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل به مناسبت سالروز درگذشت مرحوم طالقانی	۱۲
متن انگلیسی نامه ۲ اتحادیه بزرگ دانشجویی به اتحادیه اروپا درباره ترور اساتید دانشگاه های ایران	۱۳
پنج شکل دانشجویی در نامه ای به رئیس جمهوری خواستار قطع همکاری ایران با آژانس بین المللی انرژی اتمی شدند	۱۴
نخواهیم گذارد اصالت جنبش دانشجویی مسلمان تهدید شود	۱۶
آقای گس! شما از دموکراسی عاشورایی ما می ترسید	۱۷
نهم دی ماه میخی بود بر تابوت فتنه گران	۲۲
تأکید انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل بر ادامه راه علم الهدی در جنگ نرم	۲۴
بیانیه اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل در محکومیت ترور شهید «مسعود علی محمدی»	۲۵
نامه سرگشاده ۴ اتحادیه بزرگ دانشجویی درباره محکومیت اشتهااردی توسط آقا زاده فراری	۲۶

در نامه ای به رهبر انقلاب آقای ما؛ مولای ما؛ سر ما بفدای یک نار موی شما	۲۷
بیانیه اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل در گرامیداشت ۲۲ بهمن	۲۹
قطعنامه پایانی تجمع دانشجویان در مقابل دفتر سازمان ملل در حمایت از قیام های اسلامی منطقه	۳۱
فناوری هسته ای ایران بشارت دهنده دوره جدید حکمرانی علمی مسلمین است	۳۴
نامه اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل خطاب به رئیس شورای سیاست گذاری ائمه جمعه کشور	۳۶
کنفدراسیون آسیا بهترین بازیکن آسیا و ورزشکاران بحرینی را از چنگال آل خلیفه نجات دهد	۳۸
آقای هاشمی اگر سکوت کنید شما هم در ریختن خون شهیدمان شریک اید	۳۹
آقای رییس جمهور: خون چشم این عزیز و خون دل ملت نتیجه ی عدم اجرای اصل ۸۱ قانون اساسی است	۴۱
در آستانه ماه ضیافت الهی، گرسنگی صیام را چشم بسته تحمل نکنیم	۴۲
متن کامل سخنان نماینده اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل در محضر رهبر انقلاب	۴۴
آقای کامرون! لطفا دیگر دایه عزیز تر از مادر حقوق بشر نشوید	۵۰

۳۱ مرداد ۸۹

متن کامل سخنان نماینده اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل در محضر رهبر انقلاب:



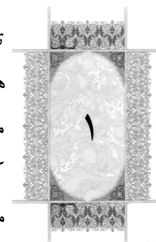
آقای خامنه ای سلام، می خواهیم برای یکبار هم شده همانگونه که می خواهید صدایتان کنیم. همانگونه که در نجوای شبانه مان حضورتان را تا ظهور طلب می کنیم.

گفتمان انقلاب اسلامی بر مدار استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی که در تعریف تازه و عمومی از انسان، تمدن و حیات سعادت مند فردی و جمعی ریشه دارد، علاوه بر به چالش کشاندن گفتمان های ماتریالیستی شرق و غرب، فصل نوینی را در احیای تمدن اسلامی - ایرانی و رشد بیداری مذهبی

در میان جوامع اسلامی پدید آورد و در مقابل اضمحلال دولتهای فاشیستی شرق و پلپارشیکیک غرب با طرح حکومت مردم سالاری دینی، گام نخست از مراحل ۵ گانه تحقق اهداف نهضت اسلامی را برداشت، گام دوم یعنی هندسه عمومی جامعه اسلامی نیز با تحقق اهداف نهضت اسلامی و ایجاد ساختارهای آن پی ریزی گردید و سبب شد که امروز با محوریت ایدئولوژیک گفتمان مهدوی و گفتمان صهیونیستی، دو جبهه معارض و معاند، شامل انقلاب اسلامی و استکبار در پهنای گیتی صف بندی نمایند، که از ابتدای انقلاب نیز جریان معارض، با استراتژی هایی چون فروپاشی سخت افزاری در گام نخست و بعد با استحاله نرم افزاری و سپس با جلو گیری از اقتدار ملی، امروز با ایستادگی، نظامی مردمی روبروست که با ایمان به وعده صادق الهی "ان تنصرو و الله ینصرکم" هر روز مصمم تر، مسیر صعود و پیشرفت را می پیمایند و هر لحظه عرصه را بر غرب و استکبار تنگ تر می کنند و اینک پس از گذشت سی سال هم چنان مهمترین رسالت و مسئولیت نظام، عینیت بخشیدن به ایده مردم سالاری دینی در زندگی مردم است تا ضمن استحکام پایه های نظری نظام در داخل، جایگزینی جدی برای زندگی انسان ها در برابر نظام های لیبرال، به جهان بریده از سرمایه داری عرضه نماید تا ان شا الله گام سوم یعنی دولت سلامی نیز محقق گردد.



اما شوربختانه نزدیک به ۱۶ سال از عمر نظام در راستایی سپری شد که چندان با اهداف اولیه سازگاری نداشت، توجه به مدل های توسعه غربی در سطح کلان، پیامد های مهمی با خود داشت که نباید تصور نمود که آثار آن به همان ۱۶ سال محدود می شود برتری ارزش های مادی بر ارزش های معنوی، به حاشیه رفتن ارزش های محوری مانند عدالت، رشد فرد گرایی و منفعت محوری، رشد گرایشات سکولار در محیط های نخبگانی و... و در یک کلام تحول در ارزشهای اساسی جامعه به نفع غربی شدن در فکر و اندیشه و به انزوا رفتن فکر و مدل اسلامی از مهمترین پیامد های الگوی غربی در آن سال هاست .



نتایج انتخابات سال گذشته ریاست جمهوری تنها صحنه پیروزی یک فرد نبود، بلکه عرصه پیروزی گفتمان

انقلاب اسلامی و راهبرد بازگشت به خویشتن و تحقق شعار خود باورانه "می شود، می توانیم" و تبلور خواست و اراده ی مردم، در رای، به حاکم شدن پارادایم عدالت بر ساختارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور و غلبه جمهوری عدالت بر دیکتاتوری فساد بود و اینکه که عدالت در عرصه ی اجتماعی؛ مطالبه مردم و در عرصه سیاسی؛ شعار دولت است با چالش هایی در عرصه نظر و بایسته هایی در حوزه عمل روبرو است. چالش های نظری :

نخست : عدم رجحان عدالت بر سایر ارزش ها : اگر نظام مردم سالاری دینی و مدل پیشرفت اسلامی - ایرانی را به مثابه یک گفتمان در نظر بگیریم عدالت در حکم ارزش مرکزی و ارزش برتر این گفتمان است و سایر مفاهیم در ارتباط با آن معنا می شوند، در تبیین و توضیح بر مبنای آن صورت بندی می گردند. عدالت در نظام سیاسی اسلامی ایران بر خلاف نظام های لیبرال دموکراسی اساس مشروعیت و حقانیت و پایه ی کار آمدی و توسعه یافتگی است . عدالت به عنوان جوهر ارزش های فردی و اجتماعی انسان و بخش تفکیک نا پذیر آزادی، پیشرفت؛ توسعه و استقلال در نگاه دینی با دو مفهوم دیگر در هم تنیده است یکی عقلانیت و دیگری معنویت .

عقلانیت از این رو که اگر عقل و خرد در تشخیص مصادیق عدالت به کار نرود ، نتیجه اش اشتباه و گمراهی در عمل است و البته در این معنا عقلانیتی مورد توجه است که با تحول و تغییر در تضاد نباشد بلکه تابع خرد بودن، باید منشأ تحول و مبدا حرکت باشدو معنویت به معنای پرهیز از دنیا زدگی و ارزش زدایی ، تلاش برای توسعه براساس معیار های دینی در عرصه اجتماعی از ملزومات تحقق این مهم است . که تجربه ی تلخ دوره پس از جنگ تحمیلی در مدیران عصر کارگزاران و ۸ ساله معطوف به آن - موسوم به اصلاحات - خود از ضرورت های نوسازی معنوی برای یک باز تعریف تئوریک مفهوم عدالت است.

دوم ؛ عدم نگاه تک ساحتی به عدالت :

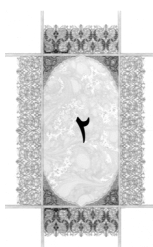
شاخصه اصلی عدالت، جامعیت و فراگیری آن است که ریشه در متون دینی و سلوک پیشوایان شیعی خصوصا عدالت علوی دارد که در این ماه در محراب کوفه به خون می نشیند. و در آن تاکید بر توزیع متناسب و عادلانه ثروت و قدرت و منزلت مورد توجه بوده است .

اصولا محدود کردن ظرفیت جامع و همه جانبه عدالت به عدالت اقتصادی و فرو گذاری از ابعاد فرهنگی، حقوقی و رسانه ای عدالت در واقع محدود کردن خود عدالت است که این مسئله ضمن منافات با روح عدالت سبب ایجاد نابرابری های اجتماعی در عرصه حیات جمعی می گردد، که کشورهای سوسیالیستی قبل از فروپاشی شوروی نمونه ای از این تلقی از این عدالت هستند.

بایسته های عملی

-قوه ی مجریه باید کانون عدالت گستری و مبارزه با مظاهر بی عدالتی باشد.

در جمهوری اسلامی علیرغم تفکیک قوای نسبی، قوه مجریه به دلیل تمرکز فرصت ها و انباشت امکانات و به سبب برخورداری از ظرفیت اجرایی و توانمندی تصمیم گیری راهبردی، در حوزه ی فرهنگ، اقتصاد و سیاست مرکز ثقل کارآمدی نظام است و با نقش آفرینی بی بدیل در توزیع قدرت و ثروت و منزلت از مجموع قوای مقننه و قضائیه درگسترش عدالت و تغییر در شکاف های اجتماعی - سیاسی توانایی بیشتری دارد.



اگرچه بیشتر از سایر قوا می تواند بسترساز فساد و تبعیض باشد، فزون تر نیز، قدرت منزه کردن چهره کشور از آلودگی ها را دارد و خوشبختانه امروز با تلاش دلسوزان انقلاب و خواست مردم، دولتی بر سر کار است که شعارش عدالتخواهی است و قاطبه سیاست ها، روندها و کارگزارانش در نظر و عمل همسو با این شعار هستند. اما چه کنیم، که دلمان از، دست چپ و راست رئیس جمهور خون است. آخر مگر می شود از عدالت، مبارزه با اشرافی گری، ویژه خواری و زیاده خواهی دم زد، اما به افرادی با سوابق نه چندان روشن قضائی و حتی دارای برخی جرائم ثابت شده اعتماد نمود و بالاترین ظرفیت های اجرایی را به آنان سپرد. و حتی بنا بر اخبار واصله تمام قد جلوی بررسی پرونده اش در مقابل دستگاه قضائی ایستادگی نمود! و یا تمام اعتبار و حیثیت خو را به پای کسی ریخت که مکرراً با طرح مسائل شاذ، نا بجا و عموماً خرد گریز، در متن مسائل مهم داخلی و بین المللی حاشیه هایی هزینه زا و پررنگ تر از متن پدید می آورد و نابخردانه سبب اختلاف و سر خوردگی میان حامیان نظام میشود.

جناب آقای احمدی نژاد بدانند، فراز بلند ۲ خرداد ۷۶ و حماسه های سوم تیر ۸۴ و ۲۲ خرداد ۸۸ ثابت نموده است که ملت با کسی عهد اخوت دائمی نبسته است. و از ایشان خواستاریم برای پاسداشت عدالت و در اوج ماندن این گفتمان با حل مسایل فوق، غبار را از دولت بزدایند و بدانند که هم چون گذشته، پشتوانه و آرای مردمی روسای جمهوری تا زمانی پابرجاست که در خط امام، گفتمان انقلاب و منویات ولایت فقیه حرکت کنند.

۲- مردمی کردن دولت، نه دولتی کردن مردم

در مقایسه ابعاد گوناگون زندگی اجتماعی، ملت ایران در بعد سیاسی و امنیتی پیشرفته تر از سایر ابعاد است، بطوریکه در این عرصه ها قدرت نخست در منطقه می باشیم. که بی شک مردمی بودن این وجوه با مظاهری چون ۳۰ انتخابات کشور با مشارکت تا نصاب ۸۵ درصد و پیروزی دفاعی در بزرگترین چالش پس از انقلاب در صحنه دفاع مقدس، دلیل عمده این پیشرفت هاست، اما در عرصه اقتصاد که از کارآمدی کمتری برخورداریم مشارکت مردم در آن حداقلی است. انقلاب اقتصادی، یعنی ابلاغ سیاست های اصل ۴۴ قانون اساسی زمینه مهمی است که تا کنون از آن به نحو احسن بهره مند نشده ایم. و البته هدفمند کردن یارانه ها به عنوان رویکردی در همین راستا، ضرورت به شناسایی بیشتر، در افکار عمومی و دقت فراوان در اجرا دارد که می تواند اقدامی استراتژیک برای تحقق عدالت توزیعی، در کشور گردد و مقوله ای است که نیاز جدی به انسجام درونی کشور برای اجرای آن وجود دارد. - زمینه سازی برای عدالت رسانه ای :

داوری افکار عمومی یک ملاک جدی برای تحقق عدالت در حکومت، میزان رضایت عمومی محور قضاوت درباره موقعیت نظام در زدودن چهره ی زشت تبعیض، فساد و ویژه طلبی است. بدین ترتیب افکار عمومی به مثابه نبض عدالت نقش اساسی در پایدار ماندن گفتمان عدالت دارد، ذائقه سازی برای افکار عمومی در راستای گفتمان عدالت، کارویژه اصلی رسانه ها بخصوص رسانه ی ملی است. ارائه تصویری دقیق از سراسر کشور بر صحنه تلویزیون و نه تصویری تهرانیزه و شمیرانیزه شده، طرح مطالبات مستضعفین جامعه و حامیان اصلی انقلاب، ساخت فیلم ها و سریال ها با مضمون عدالت که به جرات می توان گفت که در پنج سال اخیر به تعداد انگشتان



دست نیز شاهد تولید چنین آثاری نبوده ایم. فرهنگ کردن سبک زندگی اسلامی- ایرانی مبتنی بر انگاره های دینی و جلوگیری از به حاشیه رفتن مطالبات اصلی مردم که به طور مثال تمرکز بیش از حد رسانه ملی بر مسائلی چون فوتبال که خود عاملی برای هدر رفت منافع ملی و تقویت شکاف فقر و غنا در کشور است، می باشد. از دیگر مسائل در حیطه فرهنگ رسوخ نوعی لیبرالیزم و وادادگی فرهنگی در راهبران حوزه ی سینما و تئاتر است، که با ظرفیت سازی برای جریان معارض جبهه فرهنگی انقلاب، سرعت نوسازی در این عرصه را به شدت گُند کرده است، که به تعبیر ما دلیل اصلی این موضوع، تفاوت نوع نگاه سیاست گذاران این عرصه در دولت، با گفتمان انقلاب و نظام در اثر بخشی هنر می باشد و به نظر می رسد اعتقاد به توانمندی جبهه فرهنگی انقلاب و تولید آثاری چون سریال یوسف پیامبر (علیه السلام) که اثری با ظرفیت های بین المللی بالا و تمام ویژگی های هنر اسلامی است، در میان آقایان وجود ندارد.

۴- تقویت و روزآمد کردن نهادهای نظارتی درون سیستمی:

یکی از راهکارهای اصلی تحقق عدالت مبارزه ی بی امان قاطع و همه جانبه با ریشه ها و مظاهر فساد اقتصادی و سیاسی از سوی حاکمیت است. که این امر مستلزم عزم جدی مسئولین و روزآمد کردن و تقویت سازوکارهای نظارتی در مجلس و قوه ی قضائیه می باشد. امر مقدس عدالت گستری و ریشه کنی مظاهر تبعیض و فساد توأم با دشمنی ها و سختی های فراوانی است و از سمت باندهای قدرت و ثروت هزینه های سیاسی واجتماعی و حتی انسانی بسیاری بر کسانی که در این عرصه نه تهدید و تطمیع می شوند و نه در تحمل دشواری ها شانه خالی می کنند تحمیل می شود. بنابراین در دستگاه قضا افرادی بایست رسالت این امر خطیر را بپذیرند که از عزم و اراده ی پولادین و استقامت پایان ناپذیر و شجاعت و قاطعیت برخوردار باشند و گر نه تلاش ها و کوشش ها در این عرصه رنگ می بازد، که بی شک بخشی از ضعف در تحقق عدالت ناشی از ضعف در اراده و رویارویی شجاعانه با این مسئله است. یقیناً با اعمال مدیریت قوی در بدنه قوه قضائیه و به کارگیری همه حوزه ها در راستای اهداف این قوه برای محقق کردن عدالت و در جهت شتاب بخشیدن به اقدامات مثبت صورت گرفته در سال گذشته و با ایجاد ساخت های نو و استفاده از تمام ظرفیت ها می توان بعضی از ایرادات مطروحه در مورد دستگاه قضا از جمله:

۱) عدم وجود اراده ی جدی برای برخورد با مفاسد در برخی از بدنه این قوه،

۲) وجود دلال مآبی افراد سود جو و پیوند خورده با باند های ثروت و قدرت،

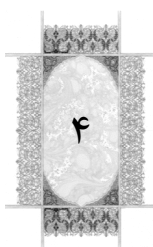
۳) تاثیر پذیری از گروه ها و جریان های سیاسی،

۴) ضعف تخصص و بنیه علمی ناکافی در برخی قضات

را به سرعت مرتفع نمود.

- انسجام درونی در اجزای نظام

حرکت به سمت مدل بومی توسعه و عدالت با سمت و سوی متفاوت از گذشته نیاز به تحولی جدید و اساسی دارد. از آنجایی که پیش نیاز هر تحولی وحدت درونی است لذا یکی از ارکان مدل پیشرفت و عدالت "انسجام درونی" بر مبنای فکر اسلامی است.



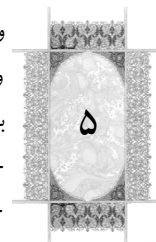
انسجام درونی به این معنا که، همه مسولین حل مسائل اصلی کشور را، فارغ از دسته بندی های سیاسی اولویت خود قرار دهند. سران قوا بجای آنکه اختلاف دیدگاه و احیاناً سیاست های خود را در تریبون های رسمی و در بطن جامعه طرح کنند از طریق مجاری پیش بینی شده قانونی و یا در جلسات مشترک حل و فصل نمایند. و متأسفانه شاهدیم که برخی مسولین کشوری با عدم درک فرصت تاریخی که امروز در شرایط حساس داخلی و بین المللی در اختیار آنان قرار گرفته و به جای آنکه مردم، خواسته ها و تقاضاهای آنان را مدار حرکت و نقطه ثقل افکار و افعال خویش قرار دهند، از همینک ماراتن انتخاباتی ۳ ساله را آغاز نموده اند که این رویکرد آفتی بزرگ به اعتماد رهبری و مردم است. افرادی که چنین رفتار می کنند بدانند که با دست قاهر الهی، ملت اجازه نخواهند داد که آنان به اهداف خویش برسند.

۶- عمل کردن جنبش دانشجویی به وظیفه خویش

نهال انجمن اسلامی دانشجویان در دانشگاه های کشور، با درایت و دورنگری امام بزرگوار در حساسترین لحظات انقلاب ریشه دوانید و به ثمر رسید، و در طول سالهای متمادی با توصیه های حکیمانه ی جنابعالی آبیاری شد. امروز با گذشت بیش از سه دهه از آن دوران، ارزش این نهال انقلابی، اسلامی و دانشجویی، همچنان پا برجاست. جنبش دانشجویی مسلمان به عنوان نماینده دانشگاهیان، یعنی موتور محرک و پیشرانه عرصه علم و معرفت که با اعتقاد راسخ به حاکمیت، در مقابل حکومت گفتمان انتقادی را صورت می بخشد. با حل پارادوکس های ظاهری بین آرمان گرایی، مصلحت سنجی و نظریه پردازی و عمل گرایی - با گوهره ی استقلال خویش که به سبب دور بودن از روابط اقتصادی و مناسبات سیاسی قدرت، جهت گیری اش به منافع ملی نزدیک تر و صادقانه تر است. با رصد به هنگام فضا با تکیه بر تکلیف محوری خویش، فریاد حق طلبی و عدالتخواهی سر می دهد و در بزنگاه های تاریخی از تمام ظرفیت سیاسی اجتماعی خود سود می برد. از این رو جریان های سیاسی مشکوک که با انحرافی آشکار از خط امام و رهبری و گفتمان اصولگرایی سعی دارند هم چون دوره اصلاحات از گرده جنبش دانشجویی سواری بگیرند بدانند که این یک خیال خام است.

جنبش دانشجویی در سال گذشته تحصیلی همیت، استقلال، آرمان خواهی و درایت خود را در مطالبه عدالت به بلوغ رسانید، که مصادیق آن در گذار از، پس لرزه های جریان فتنه در دانشگاه ها و به ثمر رساندن ماراتن دانشگاه آزاد، بر کسی پوشیده نیست. لیکن کوه نظری و بی انصافی عده ای قلیل در بدنه قوای مقننه و قضائیه در واکنش به تجمع حماسی ۱ تیر، مقابل مجلس از سوی جنبش دانشجویی قابل گذشت نیست. نمایندگانی که گستاخ و دریده گو خواندن منتقدین را از رئیس خود به خوبی آموخته بودند، وقاحت را به اوج رسانیده و خواستار بررسی اصالت خانوادگی تجمع کنندگان شدند. قانون دانان، قانون شکنی در قوه قضائیه که سعی کردند خشم خود را با انتصاب این حرکت صادق، قانونی و خودجوش به جریانی انحرافی از بدنه دولت، فرونشانند، تا به خیال خام خود با ارباب و احضار دانشجویان به دادگاه، ایشان را در مسیر پرهزینه مطالبه عدالت، سست کنند و چه خیال باطلی که ما تا آخر ایستاده ایم.

در سال همت مضاعف، کار مضاعف دانشجویان می خواهند بدانند متولیان آموزش عالی در کشور، شامل



وزارتین علوم و بهداشت، که عَلم پیشرفت را در دهه عدالت و پیشرفت بر دوش دارند، برای اسلامی کردن علوم و علمی الخصوص علوم انسانی چه اندیشیده اند؟ جهت گیری های غیر اسلامی در محتوای علوم انسانی و غیر انقلابی در انتقال دهندگان این مفاهیم، ظرفیت حداقلی را در جهت بهره برداری نظام از علوم انسانی پدید آورده است که متأسفانه حرکت جامعی در حل این معضل مشاهده نشده است. در پایان خالصانه اعلام میداریم:

ما با حضرت تعالی به عنوان وصی امام امت (ره) و نایب امام زمان (عج) تجدید بیعت کرده ایم و تا بذل جان در راه اجرای فرامین شما ایستاده ایم؛ همان گونه که پیش از این در باره ی امام امت (ره) بوده ایم و بسیارند هنوز جوانانی که عشق به اسلام و شوق رضوان حق، آنان را در میدان انقلاب نگه داشته است؛ با همان شوری که پیش از این داشته اند. خدا شاهد است که این سخن از سر کمال و صدق و از عمق قلوب همان جوانانی سرچشمه گرفته است که در تمام این هشت سال بار جنگ را بر شانه های ستبر خویش کشیدند.

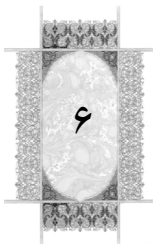
ما به جهاد فی سبیل الله عشق می ورزیم و این امری است فراتر از یک انجام وظیفه ی خشک و بی روح. این سخن یک فرد نیست؛ دست جماعتی عظیم است که به سوی حضرت شما دراز شده تا عاشقانه بیعت کند. بسیارند کسانی که می دانند شمشیر زدن در رکاب شما برای پیروزی حق، از همان اجری در پیشگاه خدا برخوردار است که شمشیر زدن در رکاب حضرت حجت (عج)، و نه تنها آماده، که مشتاق بذل جان هستند. سر ما و فرمان شما.

حضرت آقا، از آخرین دیدار فرزندان، اعضای اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه های سراسر کشور با مولایشان نزدیک به ۶ سال می گذرد. خواهشمند است جمع اعضای این اتحادیه را به حضور خود بپذیرید تا کلامتان جانمان از سستی و رخوت بشوید تا انشالله با توان و اثری مضاعف پرچم دار ولایت در صحن مقدس دانشگاه باشیم.

والسلام و علیکم و رحمه الله و برکاته

شورای مرکزی اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل

دانشگاه های سراسر کشور



۱۰ شهریور ۸۹

یانه اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل به مناسبت روز جهانی قدس



بسم الله الرحمن الرحيم

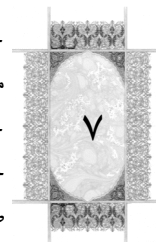
من سمع رجلا ينادي يا للمسلمين فلم يجبه فليس بمسلم
“مسلمان نیست، آنکه فریاد دادخواهی مسلمانی را بشنود و اعتنا نکند”
پیامبر اعظم (ص)

... و نه از سال ۵۷ و حدوث انقلاب اسلامی، بلکه از ۱۴۰۰ سال پیش و مقارن با اولین گام های رسول مکرم اسلام (ص) در راه هدایت بشریت، با اتکا به اصول بنیادین اسلام یعنی همان استقرار حکومت اسلامی بر پایه

عدالت اجتماعی، عداوت های دنیا طلبان و تمامت خواهان آغاز شده، فصل نوینی را در تقابل دو جبهه حق و باطل پدید آورد. تقابلی بسیار سخت و سنگین میان آیینی نوین با داعیه حکومت جهانی خداجویان و مومنان به ذات منزه و مقدس الله، با فرقه ای منحرف از مکتب موسی (ع). همان فرقه ای که ۴۰۰ سال پیش از بعثت نبی اسلام (ص) با هدف به دست گرفتن حکومت جهانی آخرین حجت الهی، وارد میدان عمل شدند. آری فرقه ای معاند با جامعه بشری و مذاهب الهی. همانانی که در وصفشان نازل شد:

“تَتَجَلَّأْنَ أَشَدَّ النَّاسِ عِدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا”
سوره مبارکه مائده، آیه ۸۲

اما در گزار زمان و با تحقق وعده ی صدق الهی و حضور حجت آخر در میان انسان ها، تقابل گفتمان مهدوی و گفتمان صهیونیستی ذیل دو جبهه حق و باطل به صحنه اول تعارضات تاریخی در میان بشر تبدیل شد و زمانی به اوج خود رسید که از سویی غاصبان و جنایتکاران صهیونیست قبله اول مسلمانان را اشغال و مردم مظلوم فلسطین از مسلمان تا مسیحی و حتی پیروان صادق مکتب حضرت موسی (ع) را به خاک و خون کشیدند و از سویی دیگر حق طلبان و خداجویان واقعی به رهبری فرزندی صالح از نسل پیامبران الهی، ایران اسلامی را کانون حمایت از مستضعفین و مظلومان عالم قرار داده و پرچم مبارزه با ظلم و فساد را برافراشتند. جایی که در مقابل اقدامات خصمانه، وحشیانه و حیوان صفتانه صهیونیسم جهانی به پیشتازی رژیم اشغالگر قدس و آمریکای جنایتکار در جهان بوژه در کشورهای نظیر فلسطین، لبنان، سوریه، عراق افغانستان، پاکستان و ... ملت ایران با پیروی از عدالت طلبی مولا و مقتدای خود امیر مومنان حضرت علی (ع) و تاسی از حماسه جاودان حسینی به پاخواستند و با ایجاد قوه ای محرکه برای تشکیل جبهه ای از مقاومت اسلامی از شرق تا غرب عالم، مستکبران جهانی را زمینگیر نمودند.



مقاومتی منبعث از تفکرات الهی اسلامی حضرت امام خمینی (ره) که لرزه بر اندام مستکبران و ظالمان عالم انداخت.

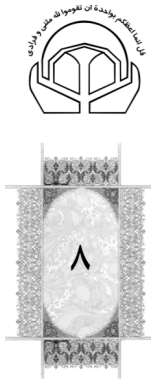
“ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین الملل اسلامیمان بارها اعلام نموده ایم که در صدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن نفوذ جهانخواران بوده هستیم... ما در صدد خشکانیدن ریشه های فاسد صهیونیسم، سرمایه داری و کمونیزم در جهان هستیم. ما تصمیم گرفته ایم به لطف و عنایت خداوند بزرگ نظام هایی که بر این سه پایه استوار گردیده اند را نابود کنیم و نظام اسلام رسول الله (ص) را در جهان استکبار ترویج نماییم”
حضرت امام خمینی (ره)

اما باید گفت که در برهه کنونی و زمانی که جنایت سفاکان رژیم اشغالگر قدس با حمایت ایادی صهیونیسم جهانی، آمریکای خونریز و انگلیس خبیث و اتحادیه اروپا در راستای کشور گشایی و سلطه طلبی جهانی به اوج خود رسیده است، جنایت هایی چون جنگ ۳۳ روزه و ۲۲ روزه را بر علیه مظلومان فلسطین و لبنان روا داشته و اکنون نیز گستاخانه در عرصه رسانه های جهانی خود بر دیگر ملت های آزادی خواه جهان می تازد، لازم است که اعلام بداریم:

مساله فلسطین به هیچ عنوان مساله داخلی برای آن ملت، یا عربی و یا حتی اسلامی نیست. بلکه مساله ای جهانیست و مناقشه ایست که قلبی خود خواه و سلطه طلب بر عده کثیری از مردم مظلوم، آزادی خواه و استقلال طلب روا داشته اند. ملت فلسطین نماد مظلومیت و استضعافند، چرا که اگر آنها اسمشان فلسطینی نبود و اگر به جای آن ها هر ملت دیگری قرار داشت، تفاوتی در اقدامات خصمانه صهیونیستها و تغییری در مواضع جنگ طلبانه ی آن ها پدید نمی آمد و اکنون نیز اگر قدرت یابند نه به مسلمان ها بلکه به هیچ یک از ملت های جهان رحم نموده و جهان را در آتش کینه و عناد خود فرو خواهند برد.

فلسطینیان ملتی آزاده و مستقل هستند و خود می توانند برای سرنوشت خویش تصمیم سازی کنند. لذا حماس همان دولت مورد تایید و برخاسته از بطن مردم فلسطین تنها مرجع تصمیم گیری و فصل الخطاب در مساله فلسطین است. لذا احزاب و گروه های دیگر فلسطینی، آن عده ای که ایادی و دست نشاندهگان صهیونیسمند و البته دول دیگر عربی و غربی، از نوکران آمریکا و اسرائیل همان دولت ذلیل آل سعود و رئیس جمهور خائن مصر گرفته تا دول کثیف و خبیث اروپایی، صلاحیتی برای دخالت در امور فلسطینیان و تصمیم گیری برای سرنوشت آنان را ندارند. لذا هر گونه مذاکره و یا معاهده ای از سوی آنان محکوم و باطل است.

تجربه نشان داده و تاریخ ثابت کرده است که شیطان و ایادی آن در قید و بند هیچ اصل و اصولی نیستند. آنانکه از هر راه و روشی برای پیشبرد اهداف خود بهره می گیرند و تابع هیچ عقل، منطقی و حتی قانونی نیستند، تنها و تنها زبان مقاومت، ایستادگی را میفهمند.



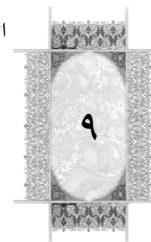
ملت فلسطین قریب به ۷۰ سال برای امضای معاهده و یا هرگونه سازشی مقاوت نکرده و هزاران تن از فرزندان خود را شهید راه سازش نکرده است، که اکنون بر سر میز مذاکره با متخاصمان، ظالمان و مستکبران بنشینند. لذا هرگونه مذاکره و یا سازشی به هر طریق و از هر مسیری، راهی خطا، بی نتیجه و بی شک اقدامی جهت تامین منافع رژیم اشغالگر قدس بوده و نه تنها از دید ملت مظلوم فلسطین بلکه از منظر همه آزادی خواهان جهان متروود است. باید بیان داشت که مناقشات فلسطین تنها مناقشه مردم آن دیار با عده ای متخاصم، جنگجو و خونریز نیست که با تغییری به هر سو و هر جهت حل و فصل شود. بلکه مساله ای بسیار کلان است که در فلسطین و لبنان نمود یافته است. موضوع مناقشه فلسطین و صهیونیسم نیست، ماجرا ماجرای تقابل حق و باطل است. مبارزه آزادی خواهی و عدالت طلبی با استکبار و زورگویی است. لذا لازم است که کلیه ملت های آزاده ی جهان به پا خواسته و با حمایت خود از مردم مظلوم فلسطین برای پیروزی آنان در این نمود عینی تقابل جبهه حق و باطل تلاش نمایند و فریاد آزادی خواهی را به عنوان فریاد گفتمان غالب آینده جهان، به گوش عالمیان برسانند.

در این راه، بر تمام مسلمانان جهان، حتی در کشورهایی که از رژیم اشغالگر قدس حمایت می نمایند، فرض است که فریاد یا للمسلمین، همان فریاد مددخواهی و استعانت طلبی فلسطینیان را به گوش جان بشنوند و آنان را در نمود عینی وحدت جهان اسلام در روز جهانی قدس یاری نمایند. مسلمانان در روز قدس باید به استکبار جهانی یادآور شوند که نهضت اسلام در حال هژمون کردن گفتمان عقیدتی سیاسی خود بر جهان بوده و با تزلزل روزافزون مکاتب منحرف غرب و شرق از لیبرالیسم گرفته تا کومونیسم، هر لحظه به حکومت جهانی عدل الهی نزدیک تر می شود.

و کلام آخر اینکه، اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه های سراسر کشور، به عنوان عضوی از بدنه ی جنبش دانشجویی مسلمان، ضمن دعوت از همه ملت های جهان از جمله مردم سرافراز، غیور و آزاده ی ایران زمین برای شرکت در مراسم جهانی روز قدس، اعلام می دارد که در کنار دیگر مسلمانان جهان تا آخرین قدم و آخرین توان در راه تعالی اسلام و نظام اسلامی برای تحقق حکومت حق و جهان شمول منجی آخرالزمان، حضرت حجت ابن الحسن العسگری (عج) تلاش نموده و خود را فدای آن هدف والا و آن راه پر عظمت و باشکوه خواهد نمود.

والسلام علیکم ورحمه الله و برکاته

اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه های سراسر کشور



بیانیه اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل پیرامون موج جدید اسلام هراسی



بسمه تعالی

“وَ إِذِ قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا نُوْمِنُ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا وَ يَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ وَ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَهُمْ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ”

سوره مبارکه بقره، آیه ۹۱

لعنت خدا بر آنانی که در کلام، خود را پیرو پیامبران الهی می خوانند و در عمل شیطان صفتانی پست و فرومایگانی بیش نیستند. هم آنانی که از هزاران سال پیش همچون خواری در چشم رسولان الهی و پیروان راستین آنان بوده اند. روزی رسالت را به تمسخر می گیرند، روزی ۷۰ پیامبر را سر می برند و روزی دیگر پیروان آن ها را به خاک و خون می کشند.

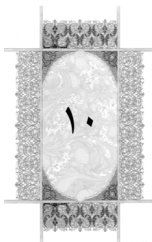
نفرین و ننگ باد بر آنان، کسانی که ادیان الهی را بازیچه هواهای نفسانی خود ساخته اند و جبهه نفاق را در میان پیروان راستین خداوند پدید آورده اند.

نفرین بر یهودیان صهیونیسم این جرثومه فساد به سرکردگی رژیم سفاک اشغالگر قدس، مسیحیان انجیلی به سرمداری خاندان سلطنتی بریتانیا و دو حزب شوم ایالات متحده و نهایتاً وهابیون صهیونیسم ساخته، آن مشرکان و مرتدان حاکم بر دول عربی بویژه خاندان ذلیل آل سعود.

اینانی که دست در دست هم داده اند و با تشکیل سه ضلعی ظلم و فساد، جهان را به مخروبه ای متعفن از رذالت و خیانت تبدیل کرده اند، در هر گوشه ای از جهان، با توطئه و دسیسه های مکارانه و به بهانه های گوناگون، آشوب و هرج مرجی پدید آورده اند و روز به روز بر ظلم و ستم خود بر مظلومان و مستضعفان جهان می افزایند.

واقعه یازده سپتامبر سال ۲۰۰۱ مصداق بارزی از این دسیسه های شیطانیست؛ حادثه ای مهندسی شده و خود ساخته که با ابزار رسانه ای، به بهانه ای برای برپایی یک سریال جدید از ظلم، تجاوز و قتل و قارت مردم بیگناه تبدیل شد. واقعه ای که برای فرار به جلو و تغییر فضای به بن بست رسیده رژیم در حال فرو پاشی ایالات متحده، در غرب عالم حادث شد ولی نهایتاً بهانه ای برای به خاک و خون کشیدن میلیون ها نفر از مردم مستضعف و مظلوم در شرق عالم گشت.

و اکنون پس از گذشت ۹ سال از آن واقعه، شاهدیم صهیونیسم بین المللی با اقداماتی جدید، در صدد آتش افروزی مجددی در عالم است. از سویی کشیش خود فروخته ای از دار و دسته همان مسیحیان صهیونیسم، این اقلیت افراطی و منحرف، مامور می شود در سخنانی گزاف، یک میلیارد و پانصد میلیون مسلمان، پیروان کامل ترین دین الهی را عامل جنایت در جهان بخواند و آنان را تهدید به سوزاندن قرآن، کتاب آسمانی پیامبر خاتم کند.



از سویی دیگر آنجلا مرکل، صدر اعظم کشور آلمان، در راستای همان اهداف در اقدامی سخیف و عنادی آشکار با خداوند و مومنان به او، از طراح دانمارکی کاریکاتور موهن به ساحت مقدس پیامبر اسلام (ص) تقدیر می کند .

و مع الاسف! از جانبی دیگر و در بهت ملت های مسلمان جهان، دول غربی با ادامه خوش خدمتی های خود به صهیونیستهای جنایتکار، با سکوت خود در مقابل این اقدامات، باری دیگر به جهان اثبات نمودند که سگ قلاده به دست صهیونیسم جهانی هستند.

لذا با توجه به این شرایط لازم می دانیم به عنوان عضوی از بدنه جنبش دانشجویی جهان اسلام ضمن محکومیت این اقدامات موهن و ناشایست اعلام نماییم که این جریانان انحرافی و رادیکال در ادیان پیامبران موحد و پاک الهی، نمودی از تجسم شیطان در ظاهری جدید و تشکیلاتی عظیم برای احیای جهانی تک قطبی و ایجاد یک امپراطوری عالم گیر و مادام العمر برای یهودیان صهیونیسم است و در جهان اسلام نیز ایجاد نحله ای فکری به نام وهابیت و گروهکهای تروریستی چون طالبان از مصادیقست که گواه بر این مدعاست.

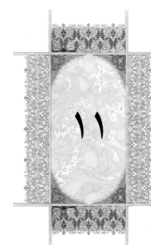
این اقدامات دامنه دار و هماهنگ غربیان، همه و همه در راستای ایجاد فضای مبتنی بر اسلام هراسی صرف، در افکار عمومی جهان و نشأت گرفته از افول گفتمان لیبرال دموکراسی و اوج گیری گفتمان عدالتخواهی و آزادی طلبی اسلام ناب محمدی (ص) در عالم است.

اما با تمام این اوصاف آنچه مهم بوده و بر آن تاکید می نماییم این است که حتی اگر شیطاین جن و انس دست به اقداماتی سخیفی چون به آتش کشیدن کلام الهی کنند، مسلمانان حاضر نیستند ذره ای توهین به پیامبران بزرگ و مقدس خداوند از آدم (ع) تا خاتم (ص) نمایند.

مسلمانان حاضر نیستند بر خلاف دستورات خداوند متعال، ذره ای ظلم بر کسی روا دارند و همواره تلاش می کنند با رثت به ارث برده از پیامبر رحمت حضرت محمد مصطفی (ص) عالمیان را به صراط مستقیم هدایت کنند. و در این میان تنها با تسط بر قلوب جهانیان و ایجاد مهر و عطوفت در میان انسان های عالم بزودی گفتمان عشق ورزی به خداوند و مودت میان انسان ها را بر عالم حکم فرما خواهند کرد.

و السلام علی من اتبع الهدی

اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه های سراسر کشور



شهریور ۸۹

بیانیه اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل به مناسبت سالروز درگذشت مرحوم طالقانی



انقلاب اسلامی ایران پس از سه دهه رشد و بالندگی، امروز شاداب تر از همیشه در تمام عرصه های داخلی و بین المللی حضور دارد. آزمون و فتنه ها نه تنها باعث جدایی مردم و نظام نشد، بلکه روزاروز ایمان و اعتقاد آحاد ملت به آرمان های انقلاب، بیشتر و وحدت و یکپارچگی مردم و نظام آشکارتر شدند انقلاب اسلامی ایران، در جان فرزندان خالص و مخلص این آب و خاک امیدها آفرید. امیدهایی که تغییر وضع موجود را نوید می داد و انسان را به انتظار وضع موعود و ظهور بقیه الله الاعظم ارواحنا فداه پیوند می زد.

در میان این بزرگان، سید بزرگوار و عزیز، مرحوم آیت الله طالقانی نقشی انکارناپذیر در ارتباط با جوانان و دانشجویان و در میدان دانشگاه داشتند. اکنون نیز سیره و عمل این عالم پارسا و مجاهد، خصوصا با توجه به برخی نکات، همچنان می تواند الگوی عمل سیاسیون و مایه ی فخر فرزندان معنوی آن مرحوم در انجمن های اسلامی دانشجویان باشد.

اول) رهروی از امام امت و ولی فقیه زمان در برابر هجمه ی بدخواهان، هتاکی دشمنان و تبلیغات منافقان، تا آن جا که گذر زمان و زیر و بم دوران نیز نتوانست پای بندی آن مرحوم به ولایت فقیه را خدشه دار نماید که البته بیان روشن مرحوم ایشان که: «من رهبری قاطع ایشان (حضرت امام خمینی (ره)) را برای خودم پذیرفته ام و همیشه سعی کردم که از مشی این شخصیت بزرگ و افتخار قرن و اسلام، مشی من خارج نباشد؛ همچنان در حافظه ها ماندگار است.

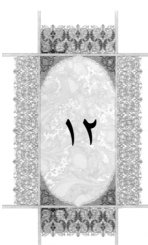
دوم) مجاهدت در راه اسلام، حق گویی و سیر همیشگی حضرت ایشان تا آن جا که به سخن امام راحل (رحمه الله تعالی علیه) ابوذر زمان بود و زبانش شمشیر مالک اشتر.

سوم) ارتباط با جوانان و دانشجویان، حضور در صحنه ی مناظرات فکری، به جهت انس جوانان با معارف و حیانی و الهی، سعی در هدایت دسته جات و گروه های خطا کار در کنار مرزبندی مشخص با معاندین و منافقین، در یک کلام جذب حداکتری در کنار دفع لازم حداقلی، و در نهایت محور بودن احکام دین مبین، در کنار پرهیز از التقاط و انذار نسبت به تفکر التقاطی. چنانکه فرمود: شما خیال می کنید که من طرفدار این گروه ها هستم. من مطمئنم اگر این گروه ها بفهمند که من حرفی بر خلافشان زده ام یا بزنم، از من می برند، من غرضم از مدارا با این ها این است که این ها به اسلام جلب شوند.

چهارم) گذر از تمام دلبستگی ها و وابستگی ها حتی گذشتن از فرزند در راه اسلام و اجرای قانون اسلامی، که این خود نمودار میزان ارزشمندی و پای مردی ایشان بر سر ارزش ها بود.

و پنجم) جمع معنویت و مجاهدت در نماز جمعه، چرا که این تجمع، عالم عامل را شایسته ی مقام خطیب جمعه می سازد.

- اوج استیصال غرب در برابر عزت ملت ایران آن جاست که امروز پس از چند ماه مسکوت ماندن مذاکرات با ایران، غرب و آمریکا با ناامیدی از جریان فتنه داخل عجولانه درخواست مذاکره با ایران را می کنند. و دستگاه دیپلماسی ایران نیز باید عزت مندانه محور مذاکرات آتی را چگونگی تعامل غرب با ایران بر سر اداره جهان بدانند.



۱۰ آذر ۸۹

متن انگلیسی نامه ۲ اتحادیه بزرگ دانشجویی به اتحادیه اروپا درباره ترور اساتید دانشگاه های ایران

To the union of European president ship

MR Herman van rampuy

Firstly , it's better to say about the situation of those student s who are in prison in European countries .those students that their only crime is to protest against dies capability of you need master of unpin countries . you're drawn your countries in to the voidance of economical social and behavioral crisis, and you answer any protest against yourself with violence & you don't mention the human's rights.



MR.HERMAN

You know it well that there are two beliefs around the word: heretical-Zionistic beliefs , and Islamic- religious beliefs.

Of course ,it's clear that the first on begins to decline .we're surprised why by having Zionistic thought ,and hostility toward Iran , as a leader of Islamic thoughts , do you try to lead your governments to the precipice.

It doesn't need to remind you , that the people around the word like to be Muslim , even in euro pan countries , and we see the result in some countries like Iraq , Afghanistan , Palestine , and south America that they are converging on Islamic beliefs.

MR. Herman

Either the assassination of two Iranian scientists is done by security organization – terrorism , or united states , or Iranian spy , it's considered as an inadmissible action.

You should know that , it's not strange for Iranian that you omit terrorism groups name of Iran's enemy from black list , because we see that you protect from black Israel , the largest terrorism , center in word , and you find your benefits from the clean disposition of nations , and it's close to your devastation.

MR .HERMAN

You should know it well that by assassination of the best scientists from Iran universities, and their scientific dehiscence , doubtlessly .we are sure that certain death of you will be done by these universities.

MR . Herman

We warn you that the more our scientist be martyred by you , the more the Islamic flag will be raised . we warn you that we're going to endanger your



پنج تشکل دانشجویی در نامه‌ای به رئیس جمهوری خواستار قطع همکاری ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی شدند.



جناب آقای دکتر احمدی‌نژاد

رئیس محترم جمهور

سلام علیکم

جامعه ایران اسلامی، به خصوص جامعه علمی ایران در این روزها به دلیل ترور دو تن از عزیزان خویش و شهادت یکی از آنان یعنی استاد شهید شهریار داغدار است. حادثه‌ای تروریستی و ضدحقوق بشری که قلب ملت ایران را به درد آورد. بازهم از کشورهایی که مدعی و داعیه‌دار حقوق بشر هستند هیچ خبری در محکومیت این حادثه نیست و بر همه نیز دست آنان در این اقدام آشکار است.

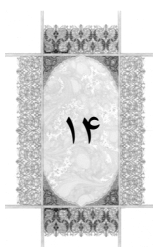
مردم ایران اسلامی با جدیت تمام این را از مسئولان امنیتی و اطلاعاتی کشور می‌خواهند که نسبت به برخورد هرچه سریع‌تر و قاطع با عوامل این جنایت اقدام شود. در ادامه مسایلی را جهت بیان مواضع خویش به اطلاع حضرت عالی می‌رسانیم:

همانطور که مطلع هستید اطلاعات مربوط به فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای کشورمان به صورت غیرقانونی در اختیار شورای امنیت سازمان ملل قرار گرفته و از این طریق است که سرویس‌های جاسوسی دشمنان این ملت توانسته‌اند به آنها دست پیدا کرده و اقدام به ترور دانشمندان هسته‌ای عزیزمان کنند.

در گزارش اخیر رئیس آژانس هسته‌ای شاهد بودیم که وی با پررویی تمام از جمهوری اسلامی ایران درخواست اطلاعات بیشتر درباره شرکت‌ها و افراد مرتبط با برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای کشورمان را کرده بود که این درخواست را نمی‌توان جز در راستای همان خط ضدحقوق بشری ترور دانشمندان دید.

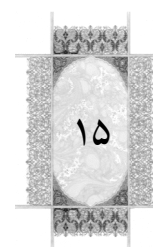
خوشبختانه نماینده ایران در آژانس با قاطعیت نسبت به این درخواست پاسخ داد و ما از این واکنش قدردانی می‌کنیم. براساس اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران یعنی عزت، حکمت و مصلحت، دولت جمهوری اسلامی ایران باید نسبت به کسب منافع ملت ایران و دفاع از آن اقدام کرده و نسبت به هرگونه عمل و یا حرکتی که این منافع را به خطر می‌اندازد، هوشیار بوده و در مقابله با آن اقدام لازم را انجام دهد. همچنین حضور در معاهداتی که با منافع ملت ایران در تقابل بوده اساساً غیرمشروع و نسبت به ملغی کردن آن باید عمل سریع انجام داد.

متأسفانه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که قرار بود محملی باشد برای کسب و استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای برای کشورهایی که از این موهبت برخوردار نیستند، اما در واقعیت به محلی برای جاسوسی و توطئه کشورهای قدرتمند و زورگو علیه ملت‌های آزاد بدل گشته است تا آنجا که اگر نام این نهاد را “آژانس بین‌المللی جاسوسی اتمی” بگذاریم، بی‌ربط نخواهد بود. حال سؤال اساسی این است که چه منطقی برای ادامه همکاری ما با آژانس بین‌المللی جاسوسی اتمی وجود دارد؟



درخواست قطع همکاری ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

بسیج دانشجویی، اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل کشور، دفتر تحکیم وحدت، اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان و جنبش عدالت‌خواه دانشجویی از آنجا که وظیفه خود می‌دانند از حقوق ملت شریف ایران دفاع کنند و عضویت بیش از این در آژانس بین‌المللی جاسوسی اتمی را در خلاف منافع ملت ایران تشخیص می‌دهند، از جناب‌عالی به عنوان رئیس جمهور منتخب مردم ایران می‌خواهند که نسبت به قطع کردن همکاری با آژانس سریعاً اقدام کنند.



نخواهیم گذارد اصالت جنبش دانشجویی مسلمان تهديد شود



ديكتاتوري، کودتا و استکبار و اين سه واژه ای است که دانشگاه در هنگام ۱۶ آذر ۳۲ آن گاه که خون ۳ فرزند این آب و خاک در صحن مقدس دانشگاه بر زمین جاری گشت از آن ها اعلام تبری جستند.

۱۶ آذر ۳۲ هنگامی است که دانشجویان درد کشیده ملت در اعتراض به حضور نیکسون فرماندهی کودتای نرم آمریکایی ۲۸ مرداد ۳ شهید تقدیم راه ملت کردند. کودتایی که با رپرتاژ رسانه ای بخش فارسی رادیو bbc و رادیو آمریکا در کنار وادادگی رهبران وقت نهضت ملی و نقش بی بدیل عناصر تجدید نظر طلب اطرافیان مصدق چون ارتشبد زاهدی پیروز گشت تا افتخار

بزرگ ملی شدن نفت و امید و اعتماد به نفس و همبستگی ملی ایران را به تاراج ببرند اما ۱۶ آذر ۳۲ هنگامه ای است که دانشجویان خواب استکبار و استبداد را آشفته کردند.

بی شک ۱۶ آذر سال ۸۸ را باید نیمه دیگر از آمریکا کشی سال ۳۲ دانست سال گذشته نیز اراده ی استکبار در پی کودتایی دیگر در کشور بود کودتایی که با بازی روانی bbc و voa و با حضور تجدید نظر طلبان داخلی و انقلابیون پشیمان سعی داشتند جمهوریت نظام را خدشه دار کند اما این بار مثلث امت، امامت و دانشجو که همان حلقه مفقوده ی سال ۳۲ بود نگذاشت تا شورش اشرافیت، اباحه گری و لمپنیزم علیه جمهوریت نظام به ثمر نینشد و از این رو بود که حادثه ۱۶ آذر سال ۸۸، دستیابی ایران به حقوق هسته ای خویش و نفوذ استراتژیک انقلاب اسلامی یعنی به باد رفتن همه امید غرب و غرب دوستان و استکبار نوازان از صحنه مقدس دانشگاه یعنی آغاز دانشمند کشی، تلاش برای حذف و ترور دانشمندان و فرهیختگان دانشگاهی و انقلابی این مرز و بوم و چه خیال خامی؛ که ما تا آخر ایستاده ایم. اما اینک و در آستانه ۱۶ آذر ذکر چند نکته ضروری است.



۱- نخست اینکه جنبش دانشجویی مسلمان هم چنان معتقد است که نگاه به ایدئولوژی و متدلوژی امام خمینی (رحمه الله علیه) به عنوان ارزش های تازه و نوید بخش برای زیست سعادت مند باید پررنگتر از قبل در تمام عرصه حکومتی و حاکمیتی و صحنه مقدس دانشگاه دنبال شود و مفهوم خط امام که روزگاری در چنبره ی گروهایی بود که بعدها خیانت خود را به میراث همیشگی امام امت یعنی ولایت فقیه و خلف صالح آن حضرت آیت الله خامنه ای نشان دادند. به نگاهی نو جهت تبدیل شدن به شاخصه و ترازو عمومی توسط جنبش دانشجویی مسلمان نیاز دارد.

۲- عدالت و آزادی به عنوان دو رسالت همیشگی و دو آرمان خدشه ناپذیر جنبش دانشجویی مسلمان تنها در یک نگاه جامع بدست می آیند و در تقابل قرار دادن این دو ارزش متعالی خیانت به هر دو است و امروز وظیفه اصلی خود می دانیم که بیش از پیش به صیانت از این دو مفهوم بپردازیم در واقع وظیفه اصلی جنبش دانشجویی مسلمان حفاظت از گفتمان و سیرت انقلاب است از این رو ذکر چند نکته ضرورت دارد

آقای گس! شما از دموکراسی عاشورایی ما می ترسید



به گزارش پایگاه تحلیلی خبری دانشجویان مستقل، اخیراً مطلبی اهانت آمیز در سایت رسمی سفارت انگلیس در تهران که به قلم "سایمون گس" سفیر این کشور در ایران نوشته شده است، افکانه نامه‌ای به شرح زیر خطاب به وی منتشر کرده است:

یادداشت شما در دلسوزی برای حقوق بشر در ایران ما را بر آن داشت تا به جهت روشنگری و ثبت در تاریخ نکاتی چند را یادآور شویم در تبیین حقوق بشر. هر چند به تعبیر قرآنی شما نه گوش شنوا دارید نه چشم بینا. که این از ویژگی های عصر فرامردن شماست.

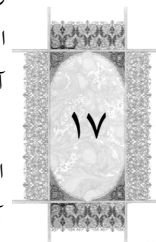
آقای گس می گویند: "دادستان‌های ایران اتهام مبهم «اقدام علیه امنیت ملی» را علیه نسرين ستوده مطرح کرده است، اما اتهام اصلی او در واقع دفاع شجاعانه و آشکار کردن بی‌عدالتی‌هایی است که حکومت ایران ترجیح می‌دهد پنهان بمانند. دولت بریتانیا [پیش از این] از ایران خواسته تا به وظایفی که آزادانه پذیرفته است، عمل کند؛ از دستگیری‌های خودسرانه خودداری و محاکمات عادلانه برگزار کند. آزادی نسرين ستوده نقطه شروع خوبی است." برای شما نیز بستن زندان‌های مخوف و بی‌نشان آمریکا در اروپا نقطه شروع خوبی است. آمریکا شما و دیگر کشورهای غرب را نیز آلت دست خود کرده است! چشم‌های گرد شده آمریکائیان از پیشرفت‌های علمی ایران، کینه ۳۰ ساله آن‌ها از امام (ره) و انقلاب، باعث شده تا حماقت را پیش از پیش در سرلوحه کارهای خود قرار داده و ایران را بزرگترین قربانی تروریسم دولتی قرار دهند.

اما جهت اطلاع بدانید که:

ما انقلاب اسلامی را با حقوق بشر امام حسین(ع) به پیروزی رساندیم و جنگ تحمیلی را نیز با این حقوق بشر اداره کردیم، مسلمان‌ها در همه حال وظیفه دارند، در صلح و جنگ حقوق انسان‌ها را رعایت کنند. ما شهرهای عراق را بمباران نکردیم اما عراقی که آن روز شما حامی او بودید بر سر مردم ما و حتی مردم خودش بمب شیمیایی ریخت. آن روز که حلبچه را آزمایشگاه سلاح‌های جدید غرب کرده بودند دل‌تان به حال مردم ایران نسوخت؟ احساس تکلیف نکردید که از "عدم بهره مندی مردم ایران" از حقوقشان دفاع کنید؟

آقای سایمون گس نماینده حقوق بشر در ایران!

درحالی‌که موارد عدیده نقض حقوق بشر در گوشه و کنار جهان توسط کشورهای غربی نادیده گرفته می‌شود ایران با وجود پیشرفت‌های اساسی در بخش‌های مختلفی از جمله در مسئله زنان، کودکان، بهداشت و درمان، آموزش، مهاجران و تعامل سازنده با نهادهای بین‌المللی باز هم هدف دشمنی و کینه‌توزی کشورهای غربی به رهبری آمریکا می‌شود. ناراحت کننده این حقیقت است که آمریکا و اعضای نام‌آور اتحادیه اروپا اصلی‌ترین حامیان گروهک‌های تروریستی مخوف و خطرناک مانند منافقین (مجاهدین خلق)، پژاک و دارو دسته ریگی



هستند که همه نوع کمکی از آمریکا فرانسه و آلمان دریافت می کنند. رهبران این گروهک های تروریستی که مسوول کشتار صدها زن و مرد و کودک ایرانی هستند پیوسته با اعضای مجالس آمریکا، آلمان و فرانسه در ارتباط هستند و مهمتر از همه اینکه دولت های این کشورهای اروپایی چگونه بشردوستانی هستند که به آنها پناه می دهند و از آنها حمایت و پذیرایی می کنند.

یکی از دستاوردهای بزرگ جمهوری اسلامی در ۳۰ سال گذشته این بوده است که یک دموکراسی مبتنی بر عقلانیت اسلامی در این کشور پدید آورده است که اسباب پیشرفت جامعه ما را در همه ابعاد پدید آورده است.

سفیر روباه پیر در ایران بدانید:

این دستاوردها در کمتر از سه دهه ما را به یکی از بزرگترین دموکراسی های منطقه تبدیل کرده است. کشور ما هم اینک توانایی غنی سازی سوخت برای رآکتور را پیدا کرده، ما یکی از کشورهای شده ایم که توانایی راهیابی به فضا و قرار دادن ماهواره در مدار را به دست آورده است. این انقلاب ایران را به کشور شماره یک در بحث سلول های بنیادی و شبیه سازی تبدیل کرده است.

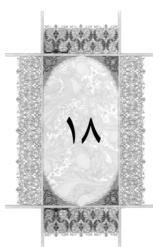
این انقلاب برای زنان ما تحصیلات عالی به همراه آورده است به گونه ای که هم اینک بیش از ۶۵ درصد از دانشجویان و دانشگاهیان ما را زنان تشکیل می دهند. همین دموکراسی بود که سبب شد بی سوادی از کشورمان ریشه کن شود. حال سوال این است که ما چه جنایتی مرتکب شده ایم؟ جرم ما این است که دموکراسی امریکایی را نپذیرفته ایم. ما نمی خواهیم مانند دموکراسی کشورهای غربی بشویم.

چگونه است که اعتراضات در کشور ما از نظر شما دموکراسی را نابود می کند اما در کشور شما این طور نیست؟ اگر وجود اعتراض نشانه نبود دموکراسی است، پس این اعتراضات گسترده ای که ما هر روز در امریکا و انگلیس شاهد آن هستیم چیست؟ این اعتراضات گسترده ای که گاه و بیگاه در فرانسه روی میدهد و در تنها یکی از آنها هزاران نفر دستگیر شدند و حتی عده ای کشته شدند چیست؟ هدف شما از همه غوغا و آشوب چیست؟

در همین اعتراضات بعد از انتخابات ریاست جمهوری با تحقیقات گسترده ای که توسط دولت جمهوری اسلامی بعمل آمد بسیاری از حقایق روشن شد. اما غربی ها از این حقایق خرسند نشدند چرا که معلوم شد کشورهای غربی به شدت روی این اعتراضات سرمایه گذاری کرده بودند و حتی آموزش داده بودند و اردوگاه هایی را در کشورهای همسایه ما ایجاد کرده بودند تا به معترضان یاد بدهند که چگونه ساختمان ها را منفجر کنند، مکان های عمومی را آتش بزنند و چگونه مردم را تحریک کنند که علیه دولت ایران اعتراض و آشوب کنند.

آقای گس یادآوری می کنیم که:

ما دریافته ایم آمریکا در این امر تنها نبوده بلکه دولت انگلیس، فرانسه و آلمان نیز در آن سهیم بوده اند. به عنوان مثال دولت شما نه تنها از طریق رسانه ها علیه ایران تبلیغ می کرد بلکه به صورت عملی نیز در اعتراضات و اغتشاشات وارد شده بود. یک نکته غم انگیز اینکه یک مامور ام ای ۶ انگلیس در یک روز دوشنبه به ایران می آید و در همان روز در یک خیابان خلوت ندا آقا سلطان این دختر مظلوم را می کشد و در همان روز به انگلیس باز می گردد و موجی از فتنه و ابهام را در کشور ما می پراکند.



فرانسه نیز در این اغتشاشات دست داشته است. آنها کسانی را به دانشگاه‌های ما فرستادند تا به آنان یاد دهند که چگونه علیه دولت بشوند. اسناد و مدارک نشان می‌دهد نماینده پارلمان آلمان نیز در دامن زدن به اغتشاشات و فروکش نکردن آنها دخالت داشته است.

نمایندگان غرب مدعی اند که کشورشان نگران نقض حقوق بشر در ایران است ولی اینان آگاه هستند که زمانی که قطعنامه‌ای برای محکومیت اسرائیل در کشتار مردم بیگناه غزه در جریان بود همین کشورها که نگران بشریت است به آن رای منفی داد. کدام نگرانی درباره حقوق بشر؟ چشم بستن روی کشته شدن صدها مرد و زن بیگناه فلسطینی در غزه؟

اصلی ترین نقض کنندگان حقوق بشر به شکل گسترده در سراسر جهان کشورهای غربی و علی الخصوص آمریکا و اسرائیل هستند اما همه اعمال ظالمانه و ضد بشری آنها نادیده گرفته می شود.
آقای گس از منظر ما:

دنیا، دنیای زورگوئی است؛ دنیای ظلم است؛ دنیای خوبی نیست؛ دنیای بدی است؛ دنیای جاهلیت است؛ دنیای غلبه‌ی شهوترانها و زورگوها بر اکثر مردم جهان است. رفتار شما و هم پیمان‌های شما؛ برای اطماع خودتان، برای حرص خودتان، برای پشتیبانی و حمایت از کمپانی‌های مورد تأییدتان، برای پر کردن جیب‌های کمپانی‌داران و سرمایه‌داران بزرگ، چه فجایی در دنیا دارد اتفاق می‌افتد؛ البته زیر نام نیک شعارهای توخالی و دروغین مبارزه با تروریسم.

جنگ طلبید، اسم صلح را می‌آوردید و زیر تابلوی صلح می‌ایستید؛ برای انسانها و بشر هیچ حق و اعتباری قائل نیستید، زیر تابلوی حقوق بشر قرار می‌گیرید؛ اهل تجاوزید، تجاوز جزو سیاستهای اصلی کارهائتان است، ادعای مقابله با تجاوز می‌کنید؛ در سیاستهای خودتان، در رفتارهای خودتان، از همه‌ی شیوه‌های کثیف استفاده می‌کنید و بهره می‌گیرید؛ از ترور استفاده می‌کنید، سازمانهای تروریست به وجود می‌آوردید، شرکتهای تروریست استخدام می‌کنید - که اینها چیزهای واضح امروز دنیاست - در عراق و افغانستان نمونه‌اش قابل مشاهده است. در آنجائهای که کودتا راه انداخته‌اید، تجاوزی که به کشورها شده، در عین حال یک ظاهر آرام، اتو کشیده، ادکلن زده، با الفاظ مناسب، می‌آید در مقابل چشم مردم ظاهر می‌شوید، با افکار عمومی مردم بازی می‌کنند. مبنای کارتان بر فریبکاری است. غرور و اعتماد به پایه‌های پوشالی قدرتی که در اختیارتان هست، اختیار را از دستتان خارج می‌کند.

آقای سایمون گس:

یامان نرفته است که رئیس جمهور آمریکا بزرگترین متحد شما، تلویحاً ایران را تهدید به استفاده‌ی از سلاح اتمی کرد! این خیلی حرف عجیبی است؛ از این حرف اصلاً دنیا مطمئن نمی‌گذرد. در قرن بیست و یکم، قرن این همه دعوی صلح و حقوق بشر و تشکیلات جهانی و سازمانها و مبارزه‌ی با تروریسم و اینها، رئیس یک کشور بیاید آنجا بایستد و تهدید به حمله‌ی اتمی کند!



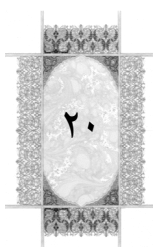
آقای گس، نماد حقوق بشر در دنیا!

برادران و خواهران ما! امروز ملت فلسطین، وسط میدان یک جهاد دشوار و بلندمدت قرار دارند و این نه تنها جهاد فلسطین که بخش برجسته‌ای است از جبهه‌ی گسترده‌ی جهاد دنیای اسلام با مستکبرین متجاوز و سفاک و غارتگر. دنیای اسلام بیدار شده، شعار حاکمیت اسلام در همه‌ی کشورهای اسلامی جایگاه نخست را در میان جوانان و دانشگاهیان و روشنفکران این کشورها باز یافته. ایران اسلامی که پروراننده و به عمل آورنده‌ی اندیشه‌ی مردم‌سالاری دینی است، روزه‌روز قوی‌تر و پیشرفته‌تر شده، اسلام ناب که امام خمینی آن را پیراسته از التقاط و انحراف و جمود و تحجر معرفی کرد، در عرصه‌ی سیاسی بسیاری از کشورها امتداد یافته و در شرق و غرب دنیای اسلام ریشه دوانیده است. طعم تلخ و زهر آگین لیبرال دموکراسی غرب که تبلیغات امریکایی، مزورانه می‌خواست آن را داروی شفابخش معرفی کند، جان و تن ملت اسلامی را آزرده و دل آنان را گذاخته است. عراق و افغانستان و لبنان، گوانتانامو و ابوغریب و سیاهچال‌های پنهان دیگر و پیش از همه، شهرهای غزه و ساحل غربی، واژه‌ی آزادی و حقوق بشر غربی را که رژیم امریکایی شرم‌ترین و وقیح‌ترین مبلغ آن است، برای ملت‌های ما ترجمه کرده است. امروز لیبرال دموکراسی غرب به همان اندازه در دنیای اسلام رسوا و منفور است که سوسیالیسم و کمونیزم دیروز شرق. ملت‌های مسلمان می‌خواهند آزادی و کرامت و پیشرفت و عزت را در سایه‌ی اسلام به دست آورند؛ ملت‌های مسلمان از سلطه‌ی دوپست ساله‌ی بیگانگان و استعمارگران به ستوه آمده و از فقر و ذلت و عقب‌ماندگی تحمیلی خسته شده‌اند.

ما حق داریم و می‌توانیم تحقیر و تکبر دولت‌های سلطه‌گر را به خودشان برگردانیم؛ این احساس صادق ملت‌های ما و نسل کنونی دنیای اسلام از شرق آسیا تا قلب آفریقا است و این، میدان جهادی پیچیده و متنوع و دشوار و بلندمدت است. آیا شما می‌توانید ادعا کنید که اصلاً حقوق بشر را فهمیده‌اید؛ چه رسد به طرفداری از حقوق بشر؟! شما بی‌وقتی می‌خواهید راجع به دولتهای مخالف خودتان حرف بزنید، مثل نقل و نبات همین‌طور کلمه‌ی حقوق بشر از دست و رویتان می‌ریزد! هر کس را بخواهید متهم می‌کنید، به نفی حقوق بشر یا به عدم مراعات حقوق بشر متهم می‌کنید؛ مثل این که بانی حقوق بشرید! شما چه می‌فهمید که حقوق بشر چیست؟! شما که علیه ملت فلسطین چنین خیانتی را روا می‌دارید و با صهیونیستهای نژادپرست این‌گونه همدست و همراه و حمایت‌کننده‌ی آنها هستید، چه می‌فهمید که حقوق بشر چیست؟! شما چه حق دارید که درباره‌ی حقوق بشر حرف بزنید؟!

انواع تهمت‌ها را به ما زدید سازمانهای وابسته‌ی به خودتان را در عالم به اسم حقوق بشر و دفاع از فلان شخص و فلان گروه بسیج کردید؛ برای این که جمهوری اسلامی را متهم به نقض حقوق بشر کنید! واقعاً کدامیک از هوشمندان عالمند که به این حرفها لبخند تمسخرآمیز زنند؟! قدرتهایی که همه‌ی وجودشان در حقیقت بر ضد منافع بشریت است، امریکایی که سرتاسر تاریخ اخیرش - که ما به یاد داریم - آمیخته‌ی با جنایت نسبت به بشریت و ملت‌هاست، اگر ما را متهم به نقض حقوق بشر کنند، ما چه باکی داریم و چه اهمیتی می‌دهیم؟

بزرگترین پشتوانه نقض حقوق بشر در هر جای دنیا که مشاهده شود، همین دولتهای مستکبر - امثال امریکا - هستند. آن وقت اینها داعیه‌دار حقوق بشر می‌شوند و آن را برای ملتها و دولتهایی که می‌خواهند با آنها در بیفتند، چماقی می‌کنند! اگر از این طرف کسانی بیابند طوری در باب حقوق بشر حرف بزنند.

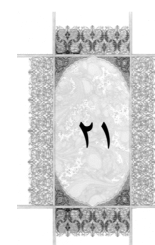


نخست، مسئله اصلی در حوادث سال گذشته ادعای تقلب در انتخابات بود که توسط آقایان موسوی و کروبی مطرح شد و ادعاهای بعد چون خشونت، تجاوز و ... که مجموعه اتهاماتی که علیه امنیت ملی و درتعارض با مصالح کشور محسوب می شد و در برهه زمانی مشکلاتی را برای کشور پدید آورد، اما با رهبری داهیانه مقام معظم رهبری، هشیاری ملت و دانشجویان نتیجه کار به ضرر فتنه گران داخلی و اربابان غربی آنها تمام شد. اما بی تردید گذر از خیانت های فتنه گران تعارض جدی با عدالت و اقتدار قوه ی قضایی دارد و جنبش دانشجویی مسلمان زمان کنونی را بهترین فرصت جهت ارائه کیفرخواست عمومی علیه سران فتنه یعنی آقایان موسوی خاتمی و کروبی می داند.

دوم، رویکرد جریان فتنه پس از حماسه نه دی ملت اتخاذ استراتژی دوگانه یعنی تقسیم کار در میان فتنه گران می باشد اول وجود جریانی که با نقد هر چند ساختگی عملکرد افراطیون سعی کند که گفتمان خود را در داخل نظام تعریف کند تا همچنان امکان رقابت و چانه زنی برای آنها در داخل نظام وجود داشته باشد و دیگری با افراط گرایی کامل و طی مسیر اشتباه سال قبل قصد دارد همچنان پتانسیل جریان معارض با نظام را برای خود نگه دارد و سطح مطالبات از نظام در قیاس حداکثری نگه دارد، که این استراتژی توسط دیکته نویسان این جریان در داخل دانشگاه ها نیز بکار گرفته می شود که این خود نوعی نفاق در نظر و عمل است و سبب ساز تساهل تسامح مسئولین با بی قانونی برخی از این تشکل ها گردیده که اگر مسئولین به قانون شکنی های این عده توجه نکنند وظیفه خود می دانیم به افشای بعضی از این موارد اقدام کنیم.

و در پایان اعلام می داریم نخواهیم گذارد اصالت عدالت خواه، استکبارستیز، آزادی طلب، آرمان گرا و روشنفکر جنبش دانشجویی مسلمان که یادگاری از ۱۶ آذر ۱۳۳۲ و شهادت سه آذراهورایی در صحن مقدس دانشگاه است توسط جریانی فاشیست مآب، انحصار طلب و ارتجاع خواه که نهایت آمال و آرزویش از فرق سر تا نک پا غربی شدن است، تهدید شود.

۱۶ آذر ۱۳۸۹ سال روز محاکمه با نئو دیکتاتوران و استکبار نوازان است که تاب جمهوریت نظام را نیاوردند.



نهم دی ماه میخی بود بر تابوت فتنه گران



و آنگاه که منادی، ندای برپایی قیامت را به گوش خلایق رساند، از جن و انس تا فرشتگان و ملائک و ... از جای جای عالم هستی، شتابان به سوی صحرای محشر روان شوند، تا بنگرند که چگونه مثقالی خیر و شر در ترازوی حساب می آید و از یاد نمی رود.

آری به ذره ای از خیر و شری که در اعماق زمین و زمان است رسیدگی می شود و جزا پاداشی در خور اعمال عطا میگردد.

و آنجاست که سرافکننده خواهند بود آنانی که در حیات از میدان امتحان و ابتلای الهی ناکام بازگشتند و اکنون پشیمان تر از همیشه فریاد و احسرتا سرداده و آرزوی بازگشت دارند. براستی آنجاست که تبار ظالم مغضوب و مظلومان در پناهند.

صحرای محشر ارمغانیست برای آنانی که مصداق صداقت و وفای عهد با خداوند شدند و در این راه از جان و مال خود گذشتند. آنانی که راه را از چاه شناختند، آنجا که باید به پا خیزند، به پا خواستند و از آرمان های الهی جانانه دفاع نمودند.

«من المومنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلا»

وقایع سال ۸۸ از بزرگترین عرصه های امتحان الهی بود، امتحانی سخت و دشوار برای ملت ایران. عرصه ای که عده ای با پیروی از ولایت از لغزش گریختند و عده ای دست به گریبان هوای نفس خود شدند و سقوط را با صعود معامله کردند. فتی های انتخابات عرصه ای بود که بیش از همه، نخبگان و خواص جامعه محک خوردند، چنانی که عیان شد، عیار ناچیز برگزیدگانی که تحت لوای اسلام خود ساخته، بر کوس انقلابیگری می کوفتند و در زمان موعود با گم شدن در غبار فتنه ها به ناکجا آباد سرازیر شدند و راه هر گونه بازگشت و نجات را بر خود بستند. آنانی که در طول هشت ماه کشور را عرصه تاخت و تاز ظالمانه خود یافتند و گمان بردند که ولایت بی طرفدار و است و تنها!!!

زهی خیال باطل که ملت ایران فراموش کند هرچه که دارد از برکت وجود امام زمان(ع) و اعوان انصار ایشان است. خواص نادانی که خود را برتر عالم و آدم می دیدند گمان بردند که اگر در ایامی چون خرداد ۸۸ عده ای را با ظواهر فریفتند و بر خیابان ها گسیل نمودند، بازی را برده اند و فاتحه نظام اسلامی را خوانده اند...

وا اسفا به حال اینان! همانانی که نمی دانستند مشارکت ۸۵ در صدی و قریب چهل میلیون رأی ملت ایران، رای به اشخاص نیست و تنها رای به وجود و ثبات نظام مقدس جمهوری اسلامی به رهبری مقام عظمای ولایت، نایب برحق امام زمان(عج)، حضرت آیت الله العظمی خامنای (دامه ظلّه العالی) است. آنان نمی دانستند که خیل کثیر ملت بصیر ایران با هدایت و رهبری بزرگ مردی حکیم و دانا چون مقام معظم رهبری (حفظه الله)، فریب صحنه سازی عده ای معاند و خود فروخته و دیگر گمراه شدگان میدان ابتلا و امتحان الهی را نخواهد خورد و در زمان خود مشت محکمی بر دهان دشمنان اسلام و قرآن خواهند کوفت.



آنان نمی دانستند که ممکن است ۴۰ میلیون رای زمانی به سیلی خروشان و بی شماری تبدیل شود و یوم الهی بی بدیل چون نهم دی ماه را رقم بزند و بساط و حضور ایادی غرب و شرق از کمونیست و لیبرال تا صهیونیست های نجس را از خاک سرخ کشور بر چینند. آنان گمان می برند که اگر فتنه را بر جامعه حاکم کنند و فضا را غبار آلود، دیگر کسی توان تشخیص را نخواهد داشت و امت سقوط می کنند! اما بودند و دیدند که حتی آنانی که در تجمعات خرداد ماه ماهیت فتنه گران را هنوز ندیده بودند، در ۹ دی ماه برای اسلام و انقلاب کفن پوش به میدان آمدند.

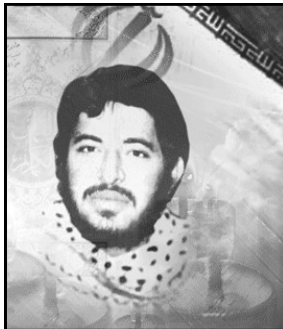
آری، نهم دی ماه میخی بود بر تابوت فتنه گران، همانانی که در ۸ ماه یاغیگری چه ظلم ها که نکردند و چه ستم ها که روا نداشتند. نهم دی ماه ابراز براعتی همگانی از نخبگان بی بصیرت و خطا رفته، از منافقان خود فروخته و از حرام لقمگانی بود که در عاشورای حسینی حرمت اسلام و عزای ملت ایران را شکستند. ملت ایران در نهم دی ماه به میدان آمدند تا بگویند هنوز عطشان حضور در جبهه های نبردند و آماده شهادت. نهم دی ماه اتمام حجت ملتی بود که سالهای سال در مقابل طوفان ها خم به ابرو نیاورده و زیر بار مشکلات کمر خم نکردند، با انگشت شمار باقی ماندگان منافقان و معاندان و حرمت شکنان. نهم دی ماه مهری تاییدی بود بر صحت و صلابت انقلاب و نظام اسلامی و لیبکی بر وجود مقدس رهبر انقلاب و نایب امام زمان (عج). در این روز آحاد ملت در تجدید عهدی دوباره با اسلام و انقلاب، روح شهدا و امام شهیدان را شاد نمودند و آینده ای پر بار و پر برکت را برای کشور رقم زدند.

اما حال و در زمان کنونی که قریب یک سال و نیم از فتنه های جانسوز انتخابات ۸۸ می گذرد و هنوز داغی بزرگ از ظلم عده ای به ظاهر مسلمان و انقلابی، بر دل‌هایمان است، جشن می گیریم حماسه نهم دی ماه را که براستی التیامیست بر زخم هایمان و آرامشیست بر قلب رنجورمان.

جشن می گیریم خذف ناخالصان بدنه انقلاب و یکدستی نظام اسلامی را و باری دیگر هم زبان با ملت غیور ایران لیبیک یا خامنه ای سر داده و اعلام می داریم که جنبش دانشجویی با همت بزرگ و کاری مضاعف در کنار آحاد مردم آماده حرکت به سوی قله های پیشرفت و عدالت اسلامی و احتزاز پرچم اسلام و انقلاب در جهان است.



تأکید انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل بر ادامه راه علم‌الهدی در جنگ نرم



تاریخ شکوهمند انقلاب اسلامی پر است از روزها و حماسه‌هایی که هر کدام از آنها نمادی مبرهن از افتخار آفرینی و عزت و عظمت این انقلاب و استقامت و پابندی بی‌بدیل ملت غیور ایران اسلامی است.

در این بین، روز ۱۶ دی ماه و خلق حماسه هویزه که توسط تعدادی از دانشجویان و اعضای انجمن‌های اسلامی دانشجویان در مقابله با دشمن بعثی به وقوع پیوست تداعی‌گر شجاعت و بصیرت دانشجویان جوانی است که به خوبی به نقش خطیر خود در مقابله با دشمن واقف بودند و در راه پاسداری از نظام اسلامی از هیچ گونه تلاشی دریغ نکردند تا اینکه جان خویش را فدا کردند.

بی‌شک عروج مظلومانه شهدای هویزه علامت روشنی از این واقعیت اساسی است که دانشجوی مسلمان در طول تاریخ پرفراز و نشیب کشور همواره مظهر مبارزه با ظلم و ستم و فساد و بی‌عدالتی و حق‌طلبی و داعیه‌دار حق‌خواهی و پاسخ‌گویی بوده و امروز نیز جنبش دانشجویی با در دست داشتن سلاح آگاهی و ایمان و قلم و زبان آزاد و استقلال از مناسبات قدرت و ثروت، افت و خیزهای اجتماعی و تحولات و رویدادهای داخلی و بین‌المللی را چونان ناظری امین از سوی ملت رصد می‌نماید و در برابر به مخاطره افتادن خواسته‌ها و اراده واقعی مردم سخت حساس و بر عهد و پیمانی که با ملت برای دفاع از حقوق آنان بسته است به طور جدی پایبند و استوار می‌باشد و در این راه از بذل جان نیز دریغ نخواهد.

اینکه در روزهای آغازین جنگ تحمیلی و در شرایطی که شاید بتوان گفت هنوز حتی بسیاری، واقعیت جنگ و دست‌اندازی به میهن را هنوز باور نکرده بودند، جوانان دانشجوی این کهن مرز و بوم با شناخت صحیح موقعیت و احساس وظیفه به موقع در دفاع از میهن اسلامی به پا خاسته و در مقابله هجوم دشمن جان خویش را هدیه می‌کنند، نتیجه عدم تعلق آنان به جلوه‌های دنیا و همچنین حساسیت آن‌ها نسبت به رویدادهای پیرامونی شان و نقش پیشتازی ایشان در دفاع از آرمان‌های دینی و انقلابی است که البته این‌ها از خصوصیات جوان دانشجوی عضو تشکل اسلامی می‌باشد و این حماسه آفرینی آن‌ها بعدها موجبات هوشیاری بیش از پیش دیگر اقشار جامعه را در رویارویی با نبرد سخت دشمن به وجود آورد و در برهه فعلی نیز که نظام اسلامی به معنای واقعی با نبرد نرم دشمن روبرو است وظیفه جنبش دانشجویی به عنوان افسران جوان این جنگ و پیش‌قراولان این میدان، بسیار سنگین است که علاوه بر مقابله با جبهه دشمن، نقش فعالان عرصه دانشجویی در بیداری همه اقشار جامعه، جهت آگاهی باور نسبت به این واقعیت مهم و حضور در این موضع بسی خطیر است.

باید بگوییم که امروز نیز پس از گذشت سه دهه از خلق آن حماسه عظیم که توسط دانشجویان و اعضای انجمن اسلامی دانشجویان و به فرماندهی حسین علم‌الهدی-دبیر انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد- در مقابله با جنگ سخت دشمن به وقوع پیوست، دانشجویان و به ویژه ما اعضای انجمن‌های اسلامی دانشجویان در پیمودن ادامه مسیر آن عزیزان در مواجهه با نبرد نرم دشمنان از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کنیم و در جهت پاسداشت ارزش‌ها و مبانی انقلاب اسلامی و دستاوردهای حاصل از خون آن شهدای جلیل‌القدر تمام همت خود را به کار خواهیم بست.



بیانیه اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل در محکومیت ترور شهید «مسعود علی محمدی»



بسم الله الرحمن الرحيم

”دلیل مایوس شدن، این دست زدن به ترورها و این کارهای تخریبی است. اینها دلیل بر ضعف است. کسی که خودش را دیگر ضعیف و از بین رفته می داند، از این امور تخریبی دست می زند.“ (امام خمینی (ره) در جمع اساتید دانشگاه)

ما از خدائیم و به سوی خدا می رویم، این منطق قرآن است و آنان که با ترور در خیال باطل خود می خواهند وقفه‌ای در مسیر حق و عقب نشینی از جهاد مقدس در راه خدا بیندازد، از این مهم غافلند که ترس از مرگ برای کسانی است که دنیا را مقرر خود قرار داده و از قرارگاه ابدی و جوار رحمت ایزدی بی خبرند.

بار دیگر دست جنایتکار استکبار جهانی از آستین تروریست های کینه توز بیرون آمد و به خون یکی از اساتید متعهد دانشگاهی آغشته شد و تنها افرادی که به حضيض ذلت افتاده اند به اقدامات غیر انسانی دست می زنند، چرا که ترور، اساساً اقدامی احمقانه و ناشی از حماقت و نهایت بی عقلی است.

اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل وظیفه خود می داند ضمن عرض تسلیت به خانواده محترم استاد شهید «دکتر مسعود علی محمدی» که در عرصه علمی کشور عزیزمان ایران، مجاهدانه تلاش و مجاهدت نمود، از مسئولان انتظامی و امنیتی کشور پیگیری دقیق در جهت شناسایی عاملین این جنایت کثیف را مطالبه می نماید.



والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل

دانشگاه های سراسر کشور



نامه سرگشاده ۴ اتحادیه بزرگ دانشجویی درباره محکومیت اشتهااردی توسط آقازاده فراری



سه روز بعد از حماسه ۴۰ میلیونی مردم ایران و در روزی که متوهمان پیروزی در خیابان های انقلاب و آزادی راهپیمایی سکوت!!! برگزار می کردند، انتشار نامه سرگشاده ۲۲۰ تشکل دانشجویی در تاریخ ۲۵ خرداد ۸۸، موج جدیدی از عدالتخواهی و مبارزه با مفاسد را رقم زد. در آن روزهای داغ، اکثر سایت ها و روزنامه ها این نامه را پوشش دادند و شخصیت های سیاسی در مورد آن اعلام موضع کردند. اما وکلای آقازاده لندن نشین که در آن روز همچنان در ایران به سر می برد و هنوز تصمیم به ادامه تحصیل!!! نگرفته بود، امید به ثمر نشستن دلارهای خرج کرده اش در انتخابات داشت، از کاوه اشتهااردی مدیر مسئول

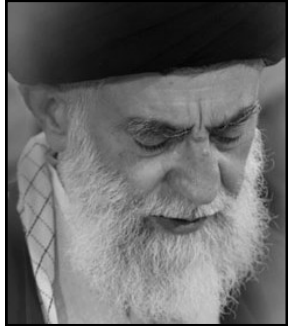
روزنامه ایران شکایت کرد. که بعد فراز و نشیب های فراوان و دفاعیات اشتهااردی در دادگاه، حکم برائت ایشان از سوی ۱۴ عضو هیئت منصفه مطبوعات در خصوص موضوع شکایت مهدی هاشمی، صادر شد. حال جای این سوال باقی است که با توجه به شکایت بیش از ۱۵۰ نماینده مجلس از سران فتنه در سال گذشته، مطالبات مردم در حماسه ۹ دی سال گذشته و امسال و اظهار نظرهای مسئولین قوه قضائیه در چندماه اخیر در این مورد، صادر کردن این رأی چه معنایی می تواند داشته باشد؟ ما پیش داوری نکرده و پاسخگویی را از مسئولین قوه قضائیه خواستاریم. هرچند می دانیم که در این گونه برخوردها با عوامل فتنه و پیگیری مطالبات مردم مصالحی وجود دارد اما سوال اینجاست که گویا این مصلحت طلبی ها یکطرفه شده است!

ضمناً تاکید می کنیم که هدایت این جریان به اختلاف بین قوای مجریه و قضائیه خیطی بزرگ است، که عده ای از فرصت طلبان و بدخواهان نظام به دنبال آن هستند. از ریاست محترم قوه قضائیه که نزدیک به دو سال از ریاستشان بر این قوه می گذرد و البته کارنامه ای روشن از خود به جا گذاشته و آینده ای روشن تر پیش روست، تقاضا می شود با پیگیری این مطالبات و موکداً پیگیری مطالبه دانشجویان که مجدداً در ادامه خواهد آمد، حق مردم مظلوم، اما آگاه و با بصیرت ایران را از مفسدان اقتصادی و سیاسی بگیرند، تا شاید التیامی باشد بر خون دل هایی که در ۸ ماه نبرد نرم، مردم خورده اند.

در پایان اعلام می داریم ما دانشجویان حاضریم در راستای مطالبات عدالتخواهانه خود حبس رفته و شلاق هم بخوریم که این کمترین هزینه مبارزه با فساد است، به شرطی که به موازات امثال مهدی هاشمی ها دادگاهی و محاکمه شوند.



در نامه ای به رهبر انقلاب آقای ما؛ مولای ما؛ سر ما بفدای یک تار موی شما



یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم

حضرت آیت الله العظمی امام خامنه ای (حفظه الله)

سلام علیکم

بار دیگر گذر ایام ما را به ۲۲ بهمنی رساند که از ۳۲ سال پیش تا کنون ما را به یک مفهوم واحد یعنی پیوند میان امت و امام رسانده است. آری! ۲۲ بهمن نقطه تلاقی میان دو مفهوم والای ولی و مولی است که نتیجه آن به قدرت رساندن حکومت الله و ساقط کردن حکومت طاغوت و مستکبران است. بدون شک در گذر و عصر امروز که سیاست های ماکیاولی در بن بست های

رابطه میان تحزب گرایی و مردم دچار از هم گسیختگی شده اند و عدم اعتماد ملت ها به رهبرانشان به صورت اپیدمی در نقاط غرب و شرق عالم در حال تسری است تنها رابطه میان امام و امت در نظام ولایت فقیه ایران اسلامی است که هر روز بیش از روز پیشین در حال تحکیم است.

عمق این رابطه میان امام و امت خود دلیلی شده تا در اوج شکوه و سرفرازی علاوه بر عبور از تحدید ها و تهدیدها روز به روز بر عزت و اقتدار نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران افزوده شود و دلیلی شود بر تسری انقلاب اسلامی در منطقه و بی شک زلزله های سیاسی طاغوت برانداز در منطقه امروز از اصل اصیل ولایت فقیه و رابطه آن با مردم منتج شده است.

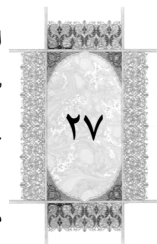
اگر ۳۲ سال پیش جوانانی بودند که در راه ولی فقیه زمان خود امام خمینی (ره) از همه لذاذ دنیا گذشتند امروز هم نسل سوم و چهارم انقلاب در صحن و سنگر دانشگاه هستند که حاضرند جان خود را فدای ولی فقیه کنند تا نشان دهند گرچه فتنه ها عمیق تر شده است اما به اعتراف همگان اعم از موافق و مخالف، بصیرت فرزندان شما در این ایام به مقدار تعمیق فتنه ها افزایش یافته است.

آری! آقا جان!

یکبار دیگر در سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی فرزندان شما که در دانشگاه بنا بر امر حضرتتان به لباس مقدس افسری جنگ نرم ملبس شده اند بار دیگر دستان خود را با خضوع مقابل شما دراز می کنند تا تجدید بیعتی کنند با سید خراسانی و نائب امام زمان (عج) خود و خدمت شریفتان عرض کنیم: آقای ما؛ سید ما؛ مولای ما؛ سر ما بفدای یک تار موی شما.

مولا جان!

با شما تجدید بیعت می کنیم نه با قلم بلکه با قطره های خون خویش تا نشان دهیم گرچه در عاشورا جد بزرگوارتان حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) به قلت باران سر مبارکش بر نیزه رفت ولیکن امروز ما جان نثاران شما



آماده ایم برای حراست و سلامتی شما بدن هایمان را فدای شما کنیم و چه بی ارزش است قطره قطره خون ما در قبال لحظه ای دلخوشی حضرتتان و هر لحظه با خود تنها و تنها یک امر را بازخوانی می کنیم که نکند روزی بیاید اندک قصور ما فرزندان شما قلب نازنینتان را به درد آورد.

ای پیر و مراد و امام ما!

گرچه در ایام فتنه گون زمان خواص بی بصیرتی پیدا می شوند که در پی قدرت به ولایت پشت می کنند و این اتفاق امری است که در گذر زمان از سقیفه بنی ساعده مدینه تا فتنه ۸۸ ایران بارها اتفاق افتاده است لکن به شما این اطمینان خاطر را می دهیم فرزندان شما در صحن دانشگاه لحظه ای به امری غیر حمایت از ولایت و وجود نازنینتان نمی اندیشند و افتخار می کنیم در این راه به مقام سربازی "سید علی خامنه ای" برسیم.

سید و مولای ما!

ما دانشجویان عضو اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه های سراسر کشور از سر تا سر این میهن ولایت مدار با چشمانی گریان و قلبی زار بر دست مجروح شما که نشانه ای از تبعیت حضرتتان از علمدار دشت کربلا است، بوسه می زنیم و از شما می خواهیم تا با دعای خیر خود ما را مورد عنایت قرار دهید که اگر دعای خیر شما نباشد ما دانشجویان با لغزش تار مویی بیش فاصله نداریم.

در انتها خطاب به پدر خود می گوئیم: فرزند اگر روزی از محبت و مهر پدر دور گردد، افسرده و پر ملال می شود. فرزندان شما از سیزدهی اسفند ۸۳ که دیدار خصوصی با حضرات عالی داشته ایم تا کنون شش سال از مرحمت و لطف زایدالوصف شما محروم گشته ایم. پس آقا جان مرحمت نموده و رخصت دهید تا بار دیگر در محفل خصوصی به حضورتان رسیده و پیمانہ جان را از نصایحتان پر کنیم.

با آرزوی سلامتی روز افزون برای مولا و رهبر عزیزمان حضرت آیت الله العظمی امام سید علی خامنه ای (حفظه الله)

والسلام علی عباد الله الصالحین

اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه های سراسر کشور



بیانیه اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل در گرامیداشت ۲۲ بهمن



بیست و دوم بهمن ماه نمود بارز و مبرهن برهم زدن معادلات ماتریالیستی و مکاتب اومانیستی شرقی و غربی و تحولی سیاسی اجتماعی بود که با سابقه حکومت ۱۴۰۰ ساله اسلامی به همت امام و امت موجبات تغییر مسیر تاریخ را پدید آورد و پارادیم جدید را بر عالم حاکم کرد. حکومتی که ستون های غرب و شرق کاخ های سیاه و سفید را به لرزه در آورد و خواب حکومت غرب بر اسلام و مسلمین را به کابوسی تلخ و بی سرانجام مبدل کرد.

بی شک این پیروزی مدیون خون هزاران شهید و زحمات و رنج های پیر جمارانی است که با خون دل تمام مصائب را بر جان و بر آبروی خویشتن

خریدند تا حکومت اسلام که آغازی بر حکومت مهدوی بود و بر اصول اسلام ناب محمدی استوار بود و نتیجه آن استقلال و تمکین به نظر آحاد ملت بود بر این سرزمین حاکم شود.

حضور پرشور و حماسی زنان و مردانی که ۱۵ سال مستمر از خرداد ۴۲ تا بهمن ۵۷ با حضور در صحنه و تحت زعامت مرجعیت خود حرکتی گسترده را به سرانجام رساندند نشان از آن داشت که ملت ایران نمی خواهند چون دیکتاتورهای پهلوی ملعبه ای برای شرق و غرب باشند فلذا استقلال و آزادی خود را در دامن پر برکت و در لوای حرکت و قیام اسلامی امام راحل یافتند و حاضر شدند در این راه از کام و نام خود بگذرند تا این هدف که در شعار "استقلال آزادی جمهوری اسلامی" به سرانجام برسد.

بی شک این حضور و این پیروزی که به کام دشمنان امت و امام و ایران خوش نمی آمد علتی واضح بود تا از آغازین روزهای انقلاب توطئه های پی در پی علیه ملت ایران تئوریزه شود. ترورهای کور شخصیت های انقلابی، کودتاها و نیز جنگ تحمیلی که به مردم تحمیل شد، آزمایشی بود که ملت ایران با عبور از آن استقامت خود در راه آرمان والایشان که استقرار حکومت اسلامی در جهان است را به رخ غرب و شرق آن روز بکشند.

در این بین در آن زمان نیز عده ای که پایشان در راه هدف امام و امت سست شد نیز از قطار انقلاب جا ماندند و نتیجه آن شد که مدعیان انقلاب و مردم به جبهه نفاق و عناد علیه ملت تبدیل شدند. لکن ملت هوشیار ایران به خوبی جاماندگان و محاربان علیه مام وطن و امام و خویش را بیرون راندند و جبهه اسلام را مطهر کردند.

گرچه رحلت امام صلحه و ضربه ای جانکاه بر روح ملت ایران وارد کرد اما ولایت و رهبری خورشید تابانی چون حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه ای (حفظه الله) خود التیامی بر این جراحت بود که نشان از استواری و ادامه راه داشت. چه آنکه انگاه که بلوک شرق به وعده خمینی کبیر از هم پاشید نظام اسلامی دوران بالندگی خود را تحت ولایت رهبری معظم آغاز نمود که خود مبین آن بود که حکومت اسلامی عاملی برای فروپاشی مکاتب و نئو مکاتب غربی و شرقی است.



دوران پس از جنگ تحمیلی گرچه با مرارت های زیادی چون سستی و تساهل عده ای از مسئولین در راه اعتلای حکومت اسلامی روبه رو شد اما این امت هیچ گاه امام و رهبری و آرمان خود را تنها نگذاشتند و در زمانی که سستی مسئولین حاکم بود و فتنه های پی در پی برنامه ریزی شده از سوی غرب لیبرال هدفی جز انحطاط حکومت اسلامی نداشت با حضور دانشجویان انقلابی و اسلامی و امت مسلمان ناکام ماند و این ملت بودند که با حضور خود عامل پیشرفت ها در زمینه هسته ای و علمی را فراهم کردند.

بی شک ۸۴ سال تمایل ملت به گفتمان عدالت محوری که تداعی نظرات امام بود نیز نشان دهنده آن بود که ایران اسلامی و ملت عزیزش با هیچ کس عقد اخوت نبسته و در راه امام خود تحت زعامت مولای خود قدم بر می دارد و در این راه گفتمانی که به ولایت نزدیک تر است می پذیرد نه گفتمانی که چپ و راست سنتی و مدرن در قالب احزاب در صدد رسیدن به قدرت در جامعه به راه می اندازند.

۲۲ خرداد سال ۸۸ نیز گرچه نمودی از ۲۲ بهمن ۵۷ بود اما این پیروزی و پیروزی جمهوری مردم به کام شکست خوردگان از جمهوری مردم خوش نیامد و این عاملی بود تا این بازندگان به ملت و آرمان در آتش زیر خاکستر فتنه بدمند و فضا را برای بهره جویی استکبار جهانی که تبلور آن امریکا و دول غربی است، مهیا سازند.

چه بسیار خون ها که به دلیل توهم این کوته فکران ریخته نشد، چه بسیار حرمت شکنی ها که نشد، چه بسیار شعار های انحرافی در دل این فتنه که داده نشد و چه بسیار خون به دل امت کردند و چه بد قلب امام امت را رنجاندند و بغض رهبر عزیزمان را به لعل گریه مبدل کردند. ای کاش ما دانشجویان هزار بار می مردیم و می دیدیم گریه های رهبرمان را ای کاش هزار بار می مردیم و نمی دیدیم که که عکس امام را پاره کردند ای کاش بدن ما را سلاخی می کردند اما هتک حرمت عاشورا را نمی دیدیم و شعار نه غزه نه لبنان را نمی شنیدیم.

این پرده دری ها و حرمت شکنی ها بود که خون به قلب ملت کرد اما امت مسلمان ایران بر آن برآمد تا این تیغ در گلو و خار در چشم را بیرون کشد و فریاد بر آرد که آری ما همچنان بر اصل ولایت فقیه تاکید داریم و این اصل را با جان و دل می پذیریم و تا جان داریم پای آن می ایستیم؛ همچنین خواهان مجازات آنانیم که زمینه را برای شعار ها و حرکات ساختار شکنانه فراهم آوردند. آری! ملت ایران آماده اند تا در ۲۲ بهمن حماسه ای عظیم تر از ۹ دی که با حضور میلیونی خود تجدید بیعتی با رهبر عزیز و میثاق های امام راحل بود خلق کنند.

ما دانشجویان اعلام میکنیم که در ۲۲ بهمن همراه با ملت عزیز ایران اسلامی مرحله ی تکمیلی قیام ۹ دی را در سی و یکمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی به جهانیان و استکبار جهانی و فریب خوردگان داخلی اش نشان خواهیم داد و میخ آخر را بر تابوت فتنه اخیر می کوبیم. بی شک ۲۲ بهمن امسال با حضور گسترده احاد ملت ایران بازگشتی به مسیر عدالت و توسعه که همان آرمان خمینی کبیر است، می باشد.

والسلام علی عباد الله الصالحین

اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه های سراسر کشور



قعدنامه پاياني تجمع دانشجويان در مقابل دفتر سازمان ملل در حمايت از قيام هاي اسلامي منطقه



بسم الله الرحمن الرحيم

و سيعلموا الذين ظلموا اي منقلب ينقلبون

هم اکنون و در هزاره سوم ميلادي و پس از گذشت ۱۴ قرن، از بعثت رسول مهر و رحمت و دوران پر شکوه صدر اسلام، که با در هم شکستن حکومت هاي کفر و طاغوت همراه بود، شاهديم که باري ديگر فطرت هاي پاک و آزادي خواه ملت هاي جهان به پشتوانه ايمان ديني و به مدد انقلاب شکوهمند اسلامي ايران، به پا خواسته اند و فرياد هيئات منالذله سر داده اند. ملت هاي استقلال طلب جهان پس از گذار از دوراني سياه و تاريخک، در

خاورميانه و کشورهای عربي اقدام به کوتاه نمودن دست ايداي کفر و استکبار از ممالک خود نموده اند، ملتي هائي که ايران اسلامي را سرلوحه خود قرار داده اند و با اتحاد کلمه، فرياد هاي مرگ و ننگ خود را بر سر شيطان بزرگ امريکاي جنايتکار و انگليس خبيث فرود آورده و خواهان خروج دست نشانده هاي آن ها از مناسب حکومتي کشورهای عربي شده اند.

امروز شاهديم که قيام ملت هاي عربي فصل جديدي را در کتاب تاريخ مبارزه با ظلم و زور رقم زده است و بابي جديد در افول قدرتهاي مستبد و ظالم از ايالات متحده گرفته تا انگلستان و حتي رژيم جعلی و جنايتکار صهيونستي مفتوح کرده است، چناني که صدای خورد شدن استخوانهاي ليبرال دموکراسي غربي به آسمان رفته است و سران اين کشورها آنچنان غافلگير و سردر گم شده اند، که نه تنها تمام معادلات از پيش تعيين شده خود را از در هم شکسته مي بينند بلکه با استيصال کامل قدرت تصميم گيري و واکنش را نيز از دست داده و به انزواي تاريخ و دردناک فرو رفته اند. اين همان خيزشي ست که اگرچه از تونس آغاز شد اما به مصر رسيد و بي آن که متوقف شود بي آن که از ديگر ديکتاتورهاي منطقه اجازه بگيرد راه تمامی کشورهای عربي را در پيش گرفته است.



اين حرکت اسلامي، قيامي سرتاسري بر عليه يک فشار و ظلم چندين ساله است، قيامي است براي خروج از آنچه که ليبرال دموکراسي امريکايي براي کشورهای اسلامي خاورميانه به ارمغان آورده است، قيام براي رهايي از بند ديکتاتورهاي نفتي وابسته اي که قرار بود تمامی توان ملت هاي محروم و مستضعف منطقه را به بند بندگي غرب کشند و در مقابل در برابر قدرت هاي استکباري چون امريکا و رژيم صهيونستي سر تعظيم فرو آورده و گوش به فرمان آن ها باشند.



اما غافل از اين که اين مردمان از خواب غفلت و رؤيای دروغين امريکايي بيدار شده اند و دريافته اند که در سرايي از تحقير مي زيسته اند. فروپاشي يک به يک ديکتاتور هاي عربي - امريکايي وعده حق امام روح الله بود که امروز محقق شده و دروازه اي از بيداري اسلامي و وحدت را بر روی مردم مسلمان آنان گشوده است و خواه ناخواه اين

بيداري عرصه را براي تجلي ارادهي عمومي و آزاد و از سر اختيار آنان فراهم آورده است.

به اعتراف دولتمردان ايالات متحده، پس از گذشت سي سال از انقلاب اسلامي، اينبار نيز قيام ملت هاي عربي منطقه شوكي بسيار سخت بر آن ها وارد کرده و دور جديد از افول قدرت و تضعيف آن ها را رقم زده است. اين شکست نيز من جمله همان شکست هاي زنجير واري است که با قيام ملت ايران در بهمن ۵۷ آغاز و هم اکنون با سرنگوني سران دست نشانده اي چون حسني نامبارک در مصر، بن علي در تونس و معمر قذافي جنائتکار در لبيبي ادامه يافته است و مسلماً موج بيداري اسلامي در منطقه در گام بعدي وارد ام الفساد دول عربي- آمريکايي، يعني دولت خبيث آل سعودي خواهد شد.

و به درستي که اين حوادث پيامدي نيست، جز نتيجه استقامت ملت ايران در مقابل ظلم و استکبار و ايستادگي آن ها در راه مبارزه و استقلال.

در اين ميان ايالات متحده به خوبي فهميده که بعد از ايران که اثر گزارترين و مهمترين کشور خاورميانه براي آنها بوده است و با قيام خميني کبير (ره) از چنگ آنان خارج شده، اينبار مصر اصلي ترين متحده خود در خاورميانه و حامی رژيم صهيونيستي نيز در حال از دست رفتن است و لذا از سويي تلاش مي کند که خزيش مردمي را به ترفندهاي گوناگون به سود خود تمام کند و به نوعي انقلاب ملت هاي عربي را با مهره هاي جديد از نوکران خود به سويي ديگر منحرف سازد و از جاني ديگر با تمام قوا به پشتيباني از آخرين متحده باقي مانده خود در منطقه، يعني عريستان سعودي مبادرت ورزد.

زهي خيال باطل، ايالات متحده بايد بداند که مردم هوشيار منطقه، هرگز فريب سياست هاي دروغين و خثمانه آن ها را نخواهند خورد و هرگز اجازه انحراف و سرکوب نرم قيام هاي خود را به آن ها نخواهند داد.

امروز شاهديم که اعتراض ملت هاي مظلوم منطقه، با گلوله و آتش داده پاسخ داده مي شود و خوب مي دانيم که فرمان گشودن تير به سوي مردم بي شک نه از دورن کشورهای منطقه، بلکه از کاخ سفيد و کابينه رژيم صهيونيستي صادر گرديده است. آمريکا و رژيم صهيونيستي بدانند که آخرين نفس هاي خود را مي کشند و به حول و قوه الهي در آينده اي نه چندان دور در آتش خشم ملت هاي آزاده خواهند سوخت.

اما از ياد نمي بريم که همه ي جنايات ماه هاي اخير در کشورهای عربي در حالي به اوج خود رسيده است که مدعيان حقوق بشر و آنان که مدام بر طبل صلح و آزادي مي کوبند به خواب زمستانه رفته اند و مردان و زنان و کودکان مظلوم مصر، تونس، بحرين و لبيبي در خون خود مي غلتند. ننگ بر شما مدعيان حقوق بشر. ننگ بر شما که ساکت مانده ايد و تنها زماني زبان مي گشاييد که مواضع دولت هاي ظالم و مستکبر در ميان باشد. ننگ و نفرين عالميان بر شما مدعيان دروغين حقوق بشر.

اما لبيبي، شاهديم که نسل کشي مردم مظلومي لبيبي جنائتي فاجعه بار را رقم زده است، ملتي که در خيابان هاي طرابلس و بنغازي به زير بمباران هواپيماهاي لبيبي- اسرائيلي فرياد الله اکبر سر داده اند و حتي قدمي از آزادي خواهي و استقلال طلبي خود عقب ننشسته اند. آنان به خاک و خون تير کفر و استبداد کشيده شده اند. معمر قذافي از ابتدا نيز ايادي صهيونيسم بود و با الوات گري اين کشور اسلامي را به لجن کشيد. قذافي شيطان صفت اسلام را بي حرمت کرد، قرآن را بي حرمت نمود و مردم لبيبي را خوار کرد. قذافي که رفت، اما در اين ميان و براي حمايت از

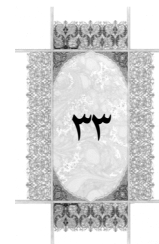


مردم مظلوم لیبی باید سفارت این کشور در جمهوری اسلامی هر چه زودتر تعطیل گشته و دیپلمات های این کشور باز گردانده شود و بلافاصله کلیه قرارداد های تجاری، اقتصادی و بویژه نفتی با دولت کافر لیبی فسخ گردد.

اما آخرین کلام، ما دانشجویان دانشگاه های سراسر کشور، در تجدید پیمانی مجدد با امام امت، رهبر معظم انقلاب و شهدای این مرز و بوم، اعلام می داریم که همواره و تا آخرین نفس گوش به فرمان ولی امر مسلمین و رهبر مسلمانان جهانیم و تصمیم داریم پرچم لا اله الا الله را بر قلل رفیع کرامت و بزرگواری به اهتزاز در بیاوریم، تا سر حد جان برای اقتدار اسلام و مسلمین میجنگیم و همچون امام و ناجی امت اسلام فریاد بر می آوریم:

تا شرک و کفر هست مبارزه هست.
تا مبارزه هست ما هستیم

والعاقبه للمتقین



فناوری هسته‌ای ایران بشارت دهنده دوره جدید حکمرانی علمی مسلمین است



پس از حدوث انقلاب اسلامی ایران و ظهور گفتمانی جدید بر پایه بسط عدالت اجتماعی در عرصه تعاملات بین‌المللی، شاهد آن بودیم که مستکبران شرق و غرب متأثر از روحیه اقتدارطلبی و سلطه‌جویی گذشته خود به پا خاسته، از هیچ تلاشی در جهت تضعیف نهال نوشکفته انقلاب اسلامی فروگذاری نکردند، به گونه‌ای که از تمام قوای سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی و فرهنگی خود بهره جستند که شاید ملت و دولت ایران را زمینگیر نموده و پرونده حیات این یگانه فریاد حق‌طلبی را در هم ببیچند. عداوت‌هایی که ناشی از نگرانی دولت‌های مستکبر و انحصارطلب عالم از هژمون شدن این گفتمان جدید در میان جهانیان رقم خورد و حوادثی چون جنگ تحمیلی را رقم زد.

از سویی دیگر روحیه شجاعت، خودباوری و ایستادگی ملت ایران منبعث از تعالیم اسلامی به‌ویژه حماسه جاودان و انسان‌ساز کربلا تحت راهبری هوشمندانه رهبر کبیر انقلاب (ره) و مقام معظم رهبری (حفظه الله) همواره سبب گشته عزت و عظمت الهی با ایرانیان همراه شده و آنان را به عنوان یکی از ملت‌های اثرگذار بر عموم مردم جهان مطرح سازد.

انقلاب اسلامی به‌ویژه زمانی که رسالت جهانی خود را روشن می‌سازد و امام راحل (رضوان الله علیه) اعلام می‌دارند: «این واقعیت و حقیقت را بارها اعلام نموده ایم که در صدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهانخواران بوده و هستیم» در نگاه غرب و غرب‌گرایان از یک جابجایی ساده قدرت سیاسی در گوشه‌ای از دنیا فراتر می‌رود.

امروز نیز در حالی که پیام انقلاب، مرزهای جغرافیایی و فرهنگی از شرق تا غرب عالم را می‌پیماید و به اعتراف رسانه‌های غربی وقایع کنونی رخ داده در کشورهای عربی به صورت تام و تمام برگرفته از انقلاب شکوهمند اسلامی مردم ایران است، باری دیگر ظرفیت اسلام و انقلاب اسلامی ایران برای جهانیان روشن و مبرهن گشته است. آری غرب، انقلاب اسلامی و گفتمان آن را پیام آور جهانی نوع دیگری از زیستن و متفاوت با انگاره‌های فلسفی و فکری خود می‌داند و از تاثیر پذیری دیگر ملت‌های جهان از این گفتمان به شدت در هراس است. اما حقیقت آن است که جمهوری اسلامی ایران امروز با پشتوانه ملت استوار و مقاوم خود توانسته است در بسیاری از حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، علمی و ... در میان ملت‌های آزاده جهان نفوذ کند و آنان را با خود به سوی خداوند متعال همراه سازد.

از میان همه این پیشرفت‌ها و افتخارات، پیشرفت‌های علمی ایرانیان بسیار درخشان و ارزشمند می‌باشد. چرا که انحصارطلبی غریبان در بسیاری از شاخه‌های علمی برای ضعیف نگاه داشتن دیگر ملت‌ها و تسلط دائمی بر آن‌ها از اصلی‌ترین راهبردهای دولت‌های مستکبر از گذشته تا به آینده بوده و هست. و حال از بین تمامی دستاوردهای علمی،



دست یابی به انرژی هسته‌ای از همه مهم‌تر و کاربردی‌تر بوده و عبور از خط قرمز غربیان در این بخش، همچون خاری در چشم آن‌ها و دستبندی بر دست آنان است.

بیستم فروردین ماه سالروز عظمت و اقتدار ملتی است که روزی آمریکا قصد داشت با قطع رابطه خود با ایران این روز را نه تنها به کام این ملت تلخ نماید، بلکه روز عبرتی گرداند برای همه ملت‌هایی که می‌خواهند استقلال و آزادی کشورشان را حفظ کنند؛ اما در این روز بار دیگر جهانیان شاهد تجلی اراده یک ملت بودند و اشک شوق در چشمان عاشقان عزت و سرفرازی حلقه زد و چشمان بهت زده سلطه‌طلبان شاهد گام‌های رو به جلوی ملت ایران در فناوری هسته‌ای بود.

از این رو لازم می‌دانیم همزمان با روز ملی فناوری هسته‌ای، ضمن تشکر از مقاومت ملت ایران و تلاش فراوان دانشمندان هسته‌ای ایران، باری دیگر این واقعه عزتمند و این پیروزی بزرگ در عرصه جهانی را به رهبر عظیم‌الشان انقلاب، ملت ایران، جوانان و دانشمندان کوشا در این عرصه و البته به همه عدالت‌خواهان و حق‌طلبان جهان تبریک گفته اعلام کنیم که این دستاورد بزرگ علمی کشور در کنار دیگر دستاوردهای اخیر نظام اسلامی نشانگر اوج‌گیری انقلاب اسلامی، عبور از بند تحریم‌ها و تهدیدهای جهانی و در کنار انقلاب‌های کنونی در کشورهای اسلامی، بشارت دهنده دوره‌ای جدید از حکمرانی علمی اسلام و مسلمین در میان جهانیان است.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه‌های سراسر کشور



نامه اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل خطاب به رئیس شورای سیاست گذاری ائمه جمعه کشور



بسمه تعالی

جناب حجه الاسلام تقوی

ریاست محترم شورای سیاست گذاری ائمه جمعه کشور

با سلام و تقدیم احترام

از بزرگترین برکت های نظام جمهوری اسلامی، برپایی مداوم و با صلابت نماز دشمن شکن جمعه در سراسر میهن اسلامی است، چنانکه هم اکنون و پس از گذشت سی سال از انقلاب اسلامی این مراسم پرشکوه هر جمعه در بیش از ۶۰۰ شهر کشور برگزار می شود. این گردهمایی بزرگ ملت ایران در هر روز

جمعه موجبات وحدت و هم دلی توده مردم را فراهم آورده و بی شک در لحظات حساس و سرنوشت ساز با افزایش بینش و بصیرت نمازگزاران باعث همگرایی و هدایت عموم جامعه به بهترین و صحیح ترین مسیرها شده است.

از ویژگی های بسیار بارز نمازهای جمعه در کشور، حضور پررنگ قشرها و طیف هایی از مردم است که در کلام امام راحل (ره) صاحبان اصلی و وارثان انقلاب نامیده می شوند. حضور این دست مردم از خانواده های شهدا، جانبازان و ایثارگران گرفته تا کارگران و معلمان و دیگر طیف هایی که در طول انقلاب شجاعانه برای ثبات و قرار این نظام تلاش نموده اند بسیار درخور توجه بوده و هست و البته زمانی که این حضور مردمی با کلام نافذ و روشنگرانه ائمه جمعه همراه شود مسلماً باعث افزایش شور و نشاط و ایجاد حرکت های عظیمی در میان مردم خواهد شد همچنان که در ابتدای انقلاب و در زمان جنگ تحمیلی نیز آغاز بسیاری از حرکت های مردمی از همین تریبون های نماز جمعه بود.

اما مع الوصف و همزمان با فرارسیدن دهم اردیبهشت ماه، سالروز صدور فرمان هشت ماده ای مقام معظم رهبری (دامه ظلّه) برای مبارزه با مفسد اقتصادی بر آن شدیم که با نگاهی هرچند گذرا بر جایگاه ائمه جمعه و اثرگذاری آنها در راستای تحقق بخشی به این فرمان رهبر انقلاب سوالهایی را از حضورتان مطرح و خواسته هایی را بیان نماییم. بر همین اساس باید گفت که ائمه جمعه در سراسر کشور بویژه در شهر های کوچکتر، دارای جایگاه والایی در میان توده مردم بوده و اثرگذاری فراوانی بر آن ها دارند. و البته از سویی دیگر و از جایگاه حقوقی خود نیز بسیار ذی نفوذ و اثر گذارند.

حال سوال اینجاست که ائمه جمعه با این دامنه وسیع تاثیر، تا به حال و طی ده سال گذشته به چه میزان در پیش برد اهداف فرمان هشت ماده ای رهبری در سال ۱۳۸۰ تلاش کرده و یا موفق بوده اند؟

این چیزی است که بی شک مورد انتظار ملت و البته نخبگان جامعه بوده و از مطالبات آن ها بشمار می آید. لذا در خواست می گردد که اگر نمونه ی موفقیتی در این حوزه وجود دارد معرفی نمایید تا به عنوان الگو برای مطرح شده و از رهنمود ها و عملکرد وی بیش از پیش استفاده شود.

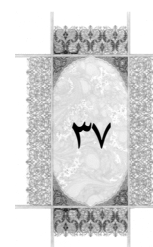


اما اگر در این بخش عملکرد قابل توجهی از سوی ائمه جمعه تا بحال مشاهده نشده است، اکنون و در سال جهاد اقتصادی و همزمان با سالگرد صدور فرمان هشت ماده ای، زمان آغاز تحولی جدید برای تحقق منویات رهبری است. لذا وقوع این امر تلاش و تحرک بالایی را می طلبد و مسلما به دلیل جایگاه ائمه جمعه در میان مردم مورد توجه و مطالبه اقشار مختلف نیز هست.

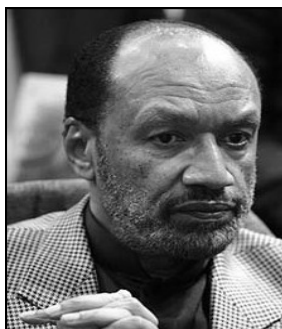
امید است به لطف و عنایت خداوند منان و تلاش بی وقفه شما و همکارانتان سال جهاد اقتصادی را با گامی بزرگ در راه توسعه اقتصادی کشور همراه سازیم.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه های سراسر کشور



کنفدراسیون آسیا بهترین بازیکن آسیا و ورزشکاران بحرینی را از چنگال آل خلیفه نجات دهد



بسمه تعالی

آقای بن همام

رئیس محترم کنفدراسیون فوتبال آسیا

با سلام

اکنون حدود ۳ ماه است که از قیام مردم مظلوم بحرین برای رسیدن به آزادی های قانونی خود می گذرد و آل خلیفه با کمک های همه جانبه آمریکا و رژیم آل سعود گروه های مختلف جامعه را به خاک و خون می کشاند یا بازداشت می کند.

یکی از این گروه های مردمی، ورزشکاران کشور بحرین هستند. در حال حاضر بیش از ده ها ورزشکار ملی و بین المللی بحرین به اتهام حمایت از قیام ملت خود در زندان های رژیم حاکم به سر می برند و بر طبق گزارش های بین المللی وضعیت برخی از این ورزشکاران وخیم گزارش شده است.

در میان بازداشت شدگان بازیکنان تیم ملی فوتبال بحرین نیز مشاهده می شود که اسامی آنان در کنفدراسیون فوتبال آسیا درج شده است و علا هیل بهترین بازیکن فوتبال آسیا در سال ۲۰۰۶ جز این بازداشت شدگان است. آیا کنفدراسیون فوتبال آسیا نباید نسبت به وضعیت این بازیکنان ملی پوش اقدامی کند؟

مسئولان کنفدراسیون فوتبال آسیا حتی جنایات آل خلیفه و آل سعود را محکوم نکرده اند و دانشجویان ایرانی اسلامی انتظار دارند که این نامه توسط این کنفدراسیون به رئیس کنفدراسیون آسیا ارائه شود تا شاید تلنگری به وی وارد شود و حداقل این جنایات را محکوم کنند.

ما دانشجویان عضو انجمن های اسلامی جمهوری اسلامی ایران ضمن محکومیت شدید کشتار و بازداشت زنان و مردان بحرینی، از مجامع بین المللی ورزشی و به خصوص کنفدراسیون فوتبال آسیا می خواهیم که بهترین بازیکن آسیا و ورزشکاران بحرینی را از چنگال آل خلیفه نجات دهد و حداقل تیم های ملی کشور عربستان سعودی را به عنوان اعتراض از حضور در مجامع بین المللی محروم کند.

والسلام من اتبع الهدی

انجمن اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه تهران

انجمن اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه صنعتی شریف

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تربیت معلم

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه شاهد

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



آقای هاشمی اگر سکوت کنید شما هم در ریختن خون شهیدمان شریک اید



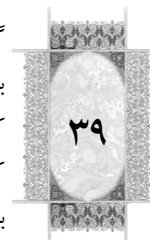
انقلاب اسلامی در ایران یکی از مهمترین رویدادهای قرن بیستم بود که نه تنها شرق و غرب را شگفت زده کرد بلکه با احیای هویت دینی مسلمانان جهان روح آزادی خواهی را در عالم منتشر نمود. امروز و پس از سی و دو سال، صدور انقلاب که یکی از واژه های کلیدی در گفتمان امام(ره) و منویات مقام معظم رهبری بود به واقعیتی بدل شده که آمریکا و غرب را به وحشت انداخته است. انقلاب عظیم مردم مصر و تونس و بیداری سایر ملل مسلمان خود گواهی بر این مدعاست.

آمریکا و غرب دستپاچه و عصبانی از بیداری ملت مصر و در جهت مسکوت گذاشتن این حرکت انقلابی در سناریوی جدید و با بهره جویی از خوش خدمتی عمال فتنه گر داخلی خویش در ایران با یک بازی رسانه ای بر آن بود تا فاز جدیدی از اغتشاشات را کلید بزنند و تمرکز رسانه ای موجود بر مصر را متوجه ایران کند که با هوشیاری ملت مسلمان ایران این امر ناکام ماند و فتنه سبز تنها در نقاط معدودی از شهر ۱۲ میلیونی تهران تجمعات چند ده نفره شکل داد.

در این میان کوردلان منافق و ایادی مزدور اسرائیل که عظمت راهپیمایی ۲۲ بهمن و قیام اسلامی مصر عصبانی شان کرده بود گستاخانه با آسیب رساندن به اموال عمومی و زخمی کردن مردم خوش خدمتی خود را برای استکبار به رخ کشیدند و در نهایت با وحشیگری تمام دانشجوی مسلمان دانشگاه هنر را به شهادت رساندند. بی گمان خون این جوان مسلمان که بی گناه بر زمین ریخته شد به گردن آمریکا و اسرائیل و ایادی فتنه گر داخلی شان است.

مسولیت خون این دانشجوی مسلمان پای تمامی کسانی است که دعوت فتنه جویانه سران فتنه را پذیرفتند و دیروز به عملی آمریکا و اسرائیل بدل شدند. مسولیت خون این دانشجوی مسلمان به پای کسانی است که نه تنها طی بیست ماه گذشته از کروی و موسوی اعلام براءت نکردند بلکه برای بازگشتشان به دایره نظام شرط و شروط گذاشتند و نیز کسانی که با فتنه گران مرز بندی نکردند و به نصایح رهبر انقلاب گوش ندادند. بی شک شهادت این دانشجوی مسلمان و همه ی خون هایی که در جریان فتنه بر زمین ریخته شد بعد از موسوی و کروی به کارنامه سیاه آقایان هاشمی و خاتمی اضافه خواهد شد. کارنامه ی سیاهی که با هر بیانه سیاه و سیاه تر می شود. ریخته شدن خون این دانشجو نتیجه بیست ماه سیاست بیمار و فتنه جویانه ی آقای هاشمی رفسنجانی است.

آقای هاشمی که هنوز هم بر طبل فتنه می کوبد و هنوز هم به خطبه های نماز جمعه ۲۶ تیر مباحثات می کند؛ نماز جمعه ای که از تریبون نظام فتنه گران را دعوت به آشوب و اغتشاش کرد.



آقای هاشمی! این نماز جمعه بیش از این که مایه مباحثتان باشد مایه ی ننگ شماست!! دعوت به اردو کشی خیابانی، سکوت شما در قبال هتک حرمت مقدسات دینی و توهین به عاشورای حسینی(ع)، بیانیه های کاملاً همسو با خواست های آمریکا و رژیم صهیونیستی، ایجاد تفرقه در راس مسولان نظام، افتتاح سایت رسمی برای دامن زدن به فتنه و در نهایت حمایت از راهپیمایی ۲۵ بهمن که بدعتی نو و در عمل نقطه تقابلی برای راهپیمایی عظیم ۲۲ بهمن و به رسمیت نشناختن آن بود تنها گوشه ای از فعالیت های شما در راه خدمت به استکبار بود.

آقای هاشمی

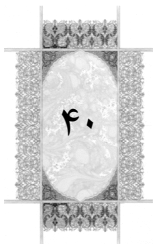
سیاست های شما دقیقاً همسو با خواست حکام مستبد عرب است و شما به خاطر دوستی تان با این حکام ظالم یقیناً تاب دیدن انقلاب عظیم مردم مسلمان مصر را ندارید و ای کاش می دانستید که چه سرباز فداکاری برای آمریکا و اسرائیل شده اید!!

و اما امروز شما نه تنها مرزها و خطوط خود را همچنان با این فرقه ی منحرف روشن نکرده اید، بلکه شنیده شده که با موسوی که رأس این فتنه بوده و ابزار اصلی براندازی نظام شده بود دیدار می کنید. آنان که دیروز با به آتش کشیدن اموال ملت و حمله به ماموران نیروی انتظامی در لباس عمله ی فتنه در آمدند، افتخارشان این بود که از جریان منتسب به شما خط می گیرند.

آقای هاشمی بی شک فتنه تا امروز به حمایت شما زنده بود و اگر گستاخانه به تمام مقدسات این ملت هتک حرمت کرد به حمایت شما کرد و به خدا قسم در پیشگاه امام (ره) و شهدا مسؤل خواهید بود و به خاطر تک تک گامهایی که برای خدمت به آمریکا برداشته اید باید پاسخگو باشید و بدانید که تا کنون در خسران بوده اید.

اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه های سراسر کشور در پایان شهادت این دانشجوی مسلمان را به ملت شهیدپرور و آگاه ایران و نیز عموم دانشجویان و دانشگاهیان تبریک و تسلیت گفته و از تمامی عمال و ایادی آمریکا و اسرائیل از موسوی و کروی گرفته تا دیگر فتنه جویان اعلام برائت می کند و محاکمه هرچه سریعتر آنان را از دستگاه قضا خواستار است و به آمریکا و غرب اعلام می کند که در حرکت انقلابی مردم مصر بحمدالله هیچ وقفه ای نخواهد افتاد و ایران اسلامی تا همیشه تکیه گاه بی بدیل ملت های مسلمان و آزادی خواه منطقه است.

وان نصر الله ینصر کم و یثبت اقدامکم



۱۸ خرداد ۹۰

آقای رییس جمهور: خون چشم این عزیز و خون دل ملت نتیجه ی عدم اجرای اصل ۸ قانون اساسی است



علی علیه السلام پس از آن که شنید از پای زنی یهودی، خلخال باز کرده اند دردمندانه گفت: اگر مردی از غیرت و غم این ماجرا سر بر زمین بگذارد و بمیرد، ملامتش نکنید.

و حال اگر غیرت مسئولین انتظامی کشور در برابر توهین و تعرض به نوامیس مملکت نجنبند، باید دردمندانه به عزا نشست و حدیث علی(ع) درباره اندوه مرد مسلمان از باز کردن خلخال از پای زن یهودی را بی هیچ مصداق بیرونی بارها خواند و بر آن اشک ریخت.

حادثه حمله ارازل و اوباش به یک روحانی امر به معروف و مضراب

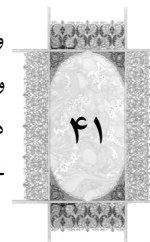
و مجروح ساختن وی نشان از بی توجهی کامل مسوولین اجرایی کشور به مسئله مقدس امر به معروف و نهی از منکر بود. مسئلهای که به فرمودهی مولای متقیان همهی کارهای خیر در برابر آن چون قطره در برابر دریا است. و نیز این حادثه به خودی خود کافی است تا کوتاهی و قصور و اهمال نیروی انتظامی در انجام وظائف اثبات شود. آقای رییس جمهور! براساس اصل ۸ قانون اساسی شما موظفید تا در اجرای امر به معروف و نهی از منکر از تمامی توان دولت استفاده کنید اما موضع گیری های متغلاانه ی شما در مواجهه با این مسئله سوال برانگیز است. روندی که شما در اجرای اصل هشتم قانون اساسی و بهتر بگوییم در اجرا نشدن این اصل در پیش گرفتید به ذبح شدن "امر به معروف و نهی از منکر" منجر شد و تأسف بار تر از آن اینکه شما قانون اساسی کشور را مسئله و مشکل روز نمی دانید.

بی شک تعلل شما و مسولین پلیس کشور در اجرایی شدن طرح امنیت اجتماعی، اختلال در اجرای قانون اساسی است. امروز و در برابر این گونه اتفاقات درد آور قطع به یقین شما مسوولید و فردا پاسخگو خواهید بود.

آقای احمدی مقدم فرمانده نیروی انتظامی اهمال و سستی پلیس در برخورد با اعمال منافی عفت و انفعال در برابر بی بندوباری قابل توجه نیست. خونی که امروز از چشم این روحانی امر به معروف ریخته شد، دامن شما را خواهد گرفت.

و حالا ما دانشجویان مسلمان برای حال مسولین انتظامی و اجرایی کشور تأسف می خوریم و جز تسلیت به غیرت و همیت برای ایشان پیامی نداریم.

در آخر با تبریک به شجاعت و احساس و وظیفه این انقلابی شفای عاجل ایشان را از حضرت حق خواستاریم.



در آستانه ماه ضیافت الهی، گرسنگی صیام را چشم بسته تحمل نکنیم



لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ. (آل عمران، ۹۲)

نیکی را در نخواهید یافت تا آنگاه که از آنچه دوست می دارید انفاق کنید، و هر چه انفاق می کنید خدا بدان آگاه است.

By no means shall you attain to righteousness until you spend (benevolently) out of what you love; and whatever thing you spend, Allah surely knows it.

در آستانه ماه ضیافت الهی، گرسنگی صیام را چشم بسته تحمل نکنیم که در قاره سیاه بیش از یازده میلیون گرفتار قحطی بی سابقه شده اند. زنان و کودکان پنجه در پنجهی گرسنگی و تشنگی انداخته اند که تا شاید بتوانند جسم نحیف خود را از مرگ برهانند. انسان دوستی برایمان شعار نباشد که گروهی از انسانها که اکثراً مسلمان هم هستند دست نیازی امیدوارانه به سوی ما گشوده‌اند، که اجابت آن وظیفه ای بشری است.

حدود یک سوم جمعیت سومالی با خطر مرگ ناشی از گرسنگی و قحطی روبرو هستند اما امداد رسانی به این افراد به کندی صورت می گیرد. بعضی قحطی زدگان برای رسیدن به اردوگاه های آوارگان بیش از چهارصد کیلومتر راه را طی می کنند و در راه شاهد مرگ فرزندان خود هستند. چهل هزار آواره جدید در عرض سه هفته گذشته به موگادیشو پایتخت سومالی رسیده‌اند. آنها در دسته‌های کوچک هستند و پس از کیلومترها پیاده‌روی دیگر آذوقه و آبی برایشان باقی نمانده است. زنان و کودکان بخش قابل توجهی از این آوارگان را تشکیل می دهند. در عرض هجده ماه گذشته، صدها هزار نفر به همین ترتیب در جستجو غذا راهی موگادیشو پایتخت سومالی شده اند.

بان کی مون دبیر کل سازمان ملل در تماس با عبدالله پادشاه عربستان، شیخ صباح الاحمد الصباح امیر کویت، شیخ حمد بن جاسم آل ثانی نخست وزیر قطر و شیخ عبدالله بن زاید آل نهيان وزیر امور خارجه امارات متحده عربی از آنها خواسته که بودجه‌هایی را برای منطقه شاخ آفریقا اختصاص دهند.

مردم اریتره و کنیا نیز با این قحطی که در ۶۰ سال اخیر بی سابقه بوده است دست به گریبانند. حال سوال اینجاست که چه اقدامات بین المللی برای کمک به این قحطی زدگان انجام شده است. شیخ نشینان عربی که بر روی ذخایر طلای سیاه خوابیده اند آیا سرنوشت مردم قاره سیاه برایشان اهمیت دارد. میلیونها دلار را صرف خرید تجهیزات نظامی میکنند، به کشورهای همسایه خود حمله کرده و مردم را به خاک خون می کشند، با حاکمان غربی می‌گساری و رقص شمشیر میکنند و... ولی حاضر نیستند دیناری صرف ندای هل من ناصر بندگان مُضطرّ خدا کنند.

چندی است که مردم مسلمان کشور سومالی، دچار محنتی عظیم گشته اند که دل هر انسان آزاده ای را به درد می آورد. مرگ هزاران انسان و آوارگی بیش از یازده میلیون مسلمان فاجعه ای است که ابعاد آن غیر قابل تصور است.



کجایند آنانی که برای کشتگان دروغین خود نطق‌ها می‌کردند و بیانیه‌های بلندبالا صادر می‌نمودند؟ مصاحبه‌ها می‌کردند و برای تضعیف و فشار بر نظام بر طبل دروغین ادعاهای واهی می‌کوبیدند؟ اما اکنون در این سکوت مرگبار فرو رفته‌اند. دریغ از سخنی و مصاحبه‌ای. گویا آنان نه تنها با اسلام و امت اسلامی که حتی با ارزشهای انسانی نیز زاویه دارند که در این فاجعه عظیم دم بر نمی‌آورند.

تشکیل جلسه فوق‌العاده کنفرانس اسلامی جهت متحد کردن کشورهای اسلامی و کمک ویژه به مردم قحطی‌زده سوماترالی، اعزام نمایندگان ویژه به کشورهای اسلامی جهت رایزنی و تخصیص کمکهای ویژه آنان به این امر، دعوت از سفرای کشورهای اسلامی و غیراسلامی در تهران و ایجاد دغدغه در آنان، طرح بحث در نهادهای بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد، اجلاس غیرمتعهدها، اجلاس جی ۱۵ و... برای اتخاذ تصمیمی عاجل می‌تواند از موارد پیشنهادی جهت خروج دستگاه دیپلماسی از رکود فعلی باشد.

اما مطالبه و انتظارات ما باید سوزنی هم به خود باشد. ما از ریاست جمهوری محترم جمهوری اسلامی ایران می‌خواهیم که تلاشها و دستورات لازم را جهت کمک به این مردم آسیب‌دیده را در اولویت قرار دهند. نهاد های حمایتی در ایران هم دست خالی نیستند. لذا ما از دکتر اسفندیاری رئیس سازمان بهزیستی کشور، ابوالحسن فقیه رئیس جمعیت هلال احمر ایران، حسین انواری سرپرست کمیته امداد امام خمینی (ره) می‌خواهیم که با اطلاع رسانی صحیح به عموم مردم تلاش‌های لازم را در جهت کمک‌رسانی هر چه سریعتر و مطلوبتر به این مردم مظلوم انجام دهند.

اطمینان داریم که نخواهیم دید روز تکرار گریه پسر فاطمه (س)، ولی امر مسلمین جهان بر مظلومیت و بی‌پناه بودن بشریت در گوشه‌های از جهان را اگر با همت عالی خود در صحنه باشیم و سر سیر بر بستر نگذاریم که صدای ناله گرسنگی مسلمی در گوشمان است.



متن کامل سخنان نماینده اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل در محضر رهبر انقلاب



با عرض سلام محضر رهبر فرزانه انقلاب اسلامی و حضار محترم

و آرزوی قبولی طاعات و عبادات

رهبر عزیز انقلاب، قبل از هر چیز اجازه می خواهم به نمایندگی از جمع دانشجویان، صادقانه از عنایات ویژه حضرتعالی تشکر نمایم چرا که سالیان سال است، تنها و تنها شما هستید که هر رمضان ما را به حضور می پذیرید و علی رغم مشغله های فراوان، ساعت ها پای درودهای دانشجویان می نشینید و صحبت های بعضاً تکراری ما را تحمل می کنید.

اما جای تاسف است که این سلوک و منش حضرت عالی که روشن تر از هر

پیامی است، توسط بسیاری از مسئولین و متولیان امر دیده، شنیده و فهم نمی شود و حاضر نیستند در سال تنها چند ساعت را به شنیدن نقطه نظرات دانشجویان اختصاص دهند. و لابد مشغله و گرفتاری های رؤسای محترم قوا و دستگاه های دیگر چون صدا و سیما، وزارتخانه ها، شورای عالی انقلاب فرهنگی، سازمان تبلیغات اسلامی و غیره از رهبری نظام بیشتر است!

و امروز این ماییم و کوله باری از حرف که در طول سال انباشته ایم و ناگزیر، در دامان پرمهر و عطوفت شما همه را بازگو می نمایم؛ باشد که این عرایض به لطف حضرات صاحب رسانه به ویژه رسانه ملی، زیر تیغ تیز سانسور قربانی نگردد و به گوش مخاطبان برسد.

نخست) تحولات منطقه:

شاید کمتر کسی فکر می کرد در حالی که آمریکا، داعیه ای ایجاد خاورمیانه ی بزرگ با محوریت صهیونیسم و شرکانش را داشت... اراده و عزت امت اسلامی؛ فرعون ها در مصر و تونس و لیبی و یمن و بحرین را به بند ذلت کشد و فصل جدیدی از تاریخ جهان را رقم زند. بی شک این حرکت، ریشه در ندای تاریخی روح خدا دارد و این پرچم اسلام انقلابی است که در کشورهای منطقه یک به یک در حال افراشته شدن است و امروز عاقبت شوم برخی مزدوران و حاکمان فاسد منطقه، بر همگان عیان شده و راز پرده نشینی های آل سعود، آل خلیفه و آل نهیانبا آل صهیون بر ملا گشته است.

اما جای تعجب دارد که چگونه برخی هنوز در غفلت به سر می برند و این قیام های اسلامی، مردمی و ضد آمریکایی را بدون هیچ دلیلی، طراحی آمریکا و اسرائیل می دانند.

روشن است که این تحلیل ها از همان توبره ای بیرون آمده، که ایده ی شوم دوستی با ملت جعلی اسرائیل سربر آورده بود. و تأسف بار تر آنجاست که دستگاه دیپلماسی و وزارت خارجه عموماً رفتاری منفعلانه در مقابل تحولات منطقه داشته اند.

این رفتار یا نشأت گرفته از عمل بر مبنای تحلیل متوهمانه ی فوق است و یا حاصل ضعف عمومی وزارت خارجه، پس از سنگالیزاسیون وزیر سابق.



و به مروجان آن نباید اجازه داد تا فرصت تاریخی بیداری اسلامی در منطقه را به تهدید بدل کنند.

دوم) معیشت مردم

نظام جمهوری اسلامی از بدو شکل گیری تاکنون همواره دغدغه‌ی کارآمدی در حوزه اقتصاد و معیشت مردم را داشته و تلاش نموده شعارها و برنامه‌های خود را در این خصوص مبتنی بر عدالت اعلام و اعمال نماید. نامگذاری بجا و شایسته‌ی اسامی با عنوان جهاد اقتصادی از یک سو و بررسی اجمالی اقدامات انجام شده در کشور از سوی دیگر گویای این موضوع است که پیشرفت‌های صورت گرفته در حوزه‌ی اقتصاد به هیچ وجه متناسب با حوزه‌های مختلف علمی، سیاسی، نظامی و امنیتی نیست.

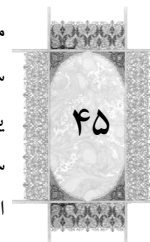
مسئله توسعه یافتگی جمهوری اسلامی ایران در ابعاد ذکر شده مرهون حاکم شدن نگاه و روحیه‌ی جهادی، بسیجی و مردمی بر آن‌هاست. امری که علیرغم پیچیدگی کمتر اقتصاد نسبت به سایر حوزه‌ها تاکنون محقق نشده است. حال سوال اینجاست که چرا با گذشت قریب به سی و سه سال از پیروزی انقلاب اسلامی هنوز برخی از اداره‌ی مردمی، جهادی و بسیجی اقتصاد واهمه دارند؟ چه واضح است که جهادی بودن روح حاکم بر اقدامات است و وقتی مبانی کارشناسی، علمی و اقتصادی در خدمت روحیه‌ی جهادی قرار گیرند خواهیم دید که خرمشهرهای اقتصادی آزاد خواهند شد.

لذا از دیدگاه ما مواجهه‌ی مسئولان اعم از دولت و مجلس و سایر متولیان با این مقوله در حد انتظار نبوده است. به صورتی که متأسفانه با گذشت قریب به پنج ماه از سال جهاد اقتصادی نه تنها شاهد دستاورد قابل توجهی در این حوزه نبوده‌ایم بلکه نحوه‌ی ادغام هفت وزارتخانه‌ی مهم اقتصادی و مختل شدن روند کار در بخش‌های قابل توجهی از این وزارتخانه‌ها به علاوه عدم تمرکز کافی مجلس بر مقوله‌ی جهاد اقتصادی و کلید خوردن زود هنگام مباحث انتخاباتی در مجلس موجب از دست رفتن فرصت‌های بسیاری گشته است. از سوی دیگر به نظر می‌رسد اکتفا به توزیع در هدفمندی‌یاری‌ها و حمایت نکردن از تولیدکنندگان و عدم اجرای شش بند دیگر طرح تحول اقتصادی روند دست‌یابی به شاخص توسعه‌ی هشت درصدی اقتصاد را مختل نموده است. تا آنجا که مجموع شرایط مذکور مشکلاتی را در وضع معیشت مردم به ویژه در شهرهای بزرگ به وجود آورده که به نقطه‌ی امیدی برای دشمنان انقلاب و فرصت طلبان داخلی بدل گشته است.

گرچه در این مجال فرصت پرداختن به ابعاد گوناگون وضع اقتصادی کشور وجود ندارد لیکن لازم دیدیم در محضر حضرت عالی و به مسئولان نظام گوشزد کنیم که با کم کاری و پرداختن به مسائل حاشیه‌ای و درگیری‌های سیاسی و جناحی و بعضاً فلسفه‌نمایی و اظهار نظرات پوچ، نباید گذاشت فشار اقتصادی برگردی مردم افزایش یابد.

سوم) تعامل نیروهای انقلاب

اعتقاد مردم به حقایق گفتمان انقلاب اسلامی و اعتماد عمومی نسبت به نظام و مسئولین سرمایه‌ای گران‌بها است و باید به خوبی از آن صیانت شود. برخلاف مدل‌های احمقانه‌ی غربی که دروغ، فریب و ترفندهای رسانه‌ای و جنگ روانی را عامل حفظ اعتماد عمومی می‌دانند پیوند میان مردم و مسئولین در گفتمان انقلاب اسلامی مبتنی بر



رعایت تقوا و انصاف است و به اعتقاد ما اشاره‌ی معنا دار حضرت عالی در خصوص رعایت تقوای جمعی ناظر به این نیاز کارگزاران نظام است.

آخر در شرایط فعلی که نیازها و مسائل اصلی کشور واضح و روشن است و منویات و مطالبات و سفارش‌های امام (ره) و رهبری معظم مشخص و گویاست و خواسته‌های مردم نیز دائماً در انتخابات‌ها و مناسبت‌های گوناگون بازگو می‌شود دیگر چه بهانه‌ای برای اختلاف و نزاع باقی می‌ماند؟ جز این که برخی تقوا را زیر پا بگذارند و منافع و اهداف گروهی و شخصی را دنبال کنند. از این رو، اعلام می‌کنیم که حافظه‌ی تاریخی دانشجویان و مردم نفاق‌ها، بی‌تقوایی‌ها و منیت‌ها را با هر نام و نشان و تابلو ولو "اصول‌گرا" تحمل نخواهد نمود و تزویر را در هر پوششی خواهد شناخت و نزد مردم فاش خواهد ساخت.

چهارم) انتخابات آینده مجلس شورای اسلامی

و اما تحلیل و تفسیر ما از آرایش نیروهای سیاسی در انتخابات مجلس نهم و مسائلی که لازم است در محضر حضرت عالی به آنها اشاره کنیم.

۱) اقبال جامعه به سمت گفتمان عدالت خواهی هم چنان در صدر توجهات محافل سیاسی و رسانه‌ای قرار دارد و این که ملت ایران همچنان بر اصول اساسی انقلاب اسلامی پای فشاری می‌کنند... بی‌نظیر و در خور توجه و تقدیر است. بودند کسانی که اندکی پیش از این و در زمان تکیه بر مسند قدرت مردم شریف را قابلمه به دست‌هایی می‌خواندند که برای توزیع مرگ موش هم در صف می‌ایستند. و چه شاهدهی بهتر از اینکه امروز همان‌ها معترفند که برای جلب توجه مردم باید از شعارهای انقلاب دم زدو بر آموزه‌های امام پافشاری نمود.

۲) مسلماً منظور نظریه‌ی دلسوزان و علاقمندان نظام و انقلاب شکل‌گیری مجلسی قوی و نیرومند صادق و بی‌آلایش و مؤمن و دلسوز و انقلابی است. ما مجلسی می‌خواهیم که عصاره‌ی فضائل ملت و درخور شأن مردم شریف باشد. مجلسی نمی‌خواهیم که برخلاف عدالت و پیشرفت طرح دانشجویی پولی را تصویب کند مجلسی نمی‌خواهیم که یک ساعته وقف دانشگاه آزاد را با بیش از ۲۵۰ هزار میلیارد تومان سرمایه‌ی عمومی به تصویب برساند... اما طرح نظارت بر خود را شش سال در راهروها معطل نگه دارد.

ما مجلسی نمی‌خواهیم که نمایندگانش با دو - دو گفتن به رئیس جمهور قانونی کشور توهین کنند ما مجلسی نمی‌خواهیم که برخلاف قانون و عقل و شرع و ولایت نظر رهبری را به رأی بگذارد. گرچه نباید به هیچ وجه چشم را بر زحمات و اقدامات مثبت مجالس بست لیکن مسیر امور باید به سمتی پیش رود که کمترین اشتباهات در مجلس آینده اتفاق بیفتد.

۳) یقیناً نحوه‌ی مواجهه‌ی خواص و نخبگان سیاسی با وقایع گوناگون، من جمله فتنه‌ی سال ۸۸ معیاری اساسی برای انتخاب مردم خواهد بود. برخی افراد که در ایام فتنه با وجود روشنگری‌های مداوم و مکرر حضرت‌تعالی، با سکوت معنادار خود مهر تأییدی بر دشمنی‌ها و فتنه‌گری‌ها کوبیدند... با چه رویی و به چه قصدی امروز دم از اصولگرایی می‌زنند؟ آیا ریاست محترم مجلس جناب آقای لاریجانی که تنها یک روز پس از خطبه‌ی فصل الخطاب شما در ۲۹ خرداد ۸۸ هنوز بر آتش تردید در صحت انتخابات می‌دمید فراموش کرده که ملت شاهد و ناظر رفتار و عملکرد



اویسند؟

یا شاید برخی افراد که حتی هنوز حماسه‌ی نهم دی ماه را باور ندارند از یاد برده اند که این مردم و رهبری عزیز بودند که کشتی انقلاب را از امواج هولناک فتنه‌ی ۸۸ عبور دادند و نقش این خواص تنها نظاره‌ی معرکه‌ی نبرد بود و منتظر نتیجه ماندن.

امروز ما نگرانیم که در ساختارهای حزبی و تشکیلاتی که بعضاً سابقه‌ی تاریخی مطلوبی نیز نزد ملت ندارند عناوینی چون "چند بعلاوه چند" مساوی قربانی کردن آرمان‌ها و ارزش‌ها در مسلخ محافظه‌کاری‌های سیاسی شود. که می‌دانیم "محافظه‌کاری قتل گاه انقلاب است"

فضای شکل گرفته تحت عناوین مذکور موجب دغدغه و نگرانی ما نسبت به آینده‌ی جبهه‌ی نیروهای انقلاب شده است و بیم آن می‌رود که در این مسیر برخی افراد گفتمان اصول‌گرایی را به دکان اصول‌گرایی تبدیل کنند. متأسفانه امروز شاهدیم علی‌رغم آنکه حضرت عالی سران قوا و صاحبان مناسب را از حضور و دخالت در انتخابات نهی فرموده‌اید، ریاست مجلس آقای لاریجانی و شهردار تهران آقای قالیباف اقدام به معرفی نماینده در تشکل‌های انتخاباتی کرده‌اند و حضور خود را مایه تقویت گفتمان اصول‌گرایی می‌دانند!

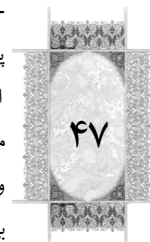
۵) جریانی که این روزها به درستی از آن به عنوان جریان انحرافی یاد می‌شود تا دیروز قصد داشت با طرح مسائل شاذ و نخ نما شده‌ای چون باستان‌گرایی، به مبانی مکتب اسلام و گفتمان انقلاب اسلامی خدشه و صدمه وارد نماید... امروز به دنبال آن است تا از رهگذر انتخابات مجلس، و با سوء استفاده از ظرفیت‌های نظام و دولت طرح‌های فرهنگی-سیاسی خود را که تماماً در تضاد با روح انقلاب اسلامی به اجرا در آورد. البته این جریان تا کنون علی‌رغم صرف هزینه‌های هنگفت از بیت‌المال به سبب نیت ناپاک و ناکارآمدی عناصرش، چه در عرصه‌ی دانشگاه‌ها و چه در حیطه‌ی فرهنگ و هنر نتوانسته جریان اجتماعی خاصی ایجاد نماید. که عرض خود می‌برند و زحمت ما می‌دارند. ۶) فتنه‌گران زخم خورده از ملت همچنان در رویای خام قدرت با کمال وقاحت برای حضور در انتخابات شرط می‌گذارند. زمانی را به ایشان یادآور می‌شویم که بر مسند قدرت بودند و دو قوه از سه قوه‌ی کشور را در اختیار داشتند. در آن زمان دوستان و هم‌حزبی‌هایشان در مجلس ششم و دولت وقت به دلیل انحراف و تقابل با آرمان‌های انقلاب توسط مردم از صحنه سیاسی کشور حذف شدند، اینان آن زمان نتوانستند برای ملت و نظام شرط و شروط تعیین کنند حال که از کشتی به اصطلاح اصلاحات جز تخته پاره‌ای نماینده شرط گذاشتن برای ملت و انقلاب آیا

جز لطفه‌گویی سیاسی ست؟

پنجم) فرهنگ

از هرچه نقص و ایراد در اقتصاد و سیاست بتوان گذشت، ایستگاه تأمل آنجاست که سخن به عرصه‌ی فرهنگ می‌رسد.

وضع فرهنگی ما در سی سال گذشته به هیچ وجه در خور بزرگترین انقلاب فرهنگی دوران معاصر نبوده است و بی‌تردید بالاترین انتظار در این عرصه از رسانه‌ی ملی می‌رود که مناره‌ی مسجد انقلاب است و نگرانی ما از مؤذنش. از برخی نقاط مثبت صداوسیما چون چابکی معاونت سیاسی و امکانات فنی متوسط آن که بگذریم باز نکاتی چند را بایست یادآور شد.



کپی‌برداری ناشیانه از برنامه‌های ماهواره‌ای که اخیراً به کرات شاهد آن هستیم، انفعال در تولید فرم و محتوا را تداعی می‌کند.

۲) عدم اولویت بندی و ارزش‌گذاری برنامه‌های رسانه ملی سبب شده که بهترین امکانات و ساعات پخش در اختیار برنامه‌های کم محتوا و آنتن پرکن قرار گیرد که نه تنها باعث برخی هنجارشکنی‌هاست بلکه شوربختانه بسیاری از این برنامه‌ها مثل طنزهای سخیف و نود شبی‌های عامیانه با نفوذ در کانون خانواده، بهتر و یجسب‌کنندگی‌گری در بنیادی‌ترین نهاد جامعه می‌پردازند.

که ای کاش این کار تنها توسط رسانه‌های معاند و ماهواره‌ای انجام می‌شد نه رسانه‌ی ملی.

۳) نگاه تک بعدی و به اصطلاح مخاطب محور رؤسای سازمان و به تبع آن، عدم اعتماد به نیروهای انقلابی و مرعوب بودن در مقابل جریان روشنفکر نمایی در عرصه‌ی هنر سبب شده بدنه‌ی میانی سازمان از نگاه انقلابی به شدت تهی شود.

۴) نبش قبر چهره‌های فسیل شده فیلم‌فارسی‌ها و اسطوره‌سازهای نابجا از کسانی که نشان داده‌اند منش شان لگند کوب کردن آرمان‌های این ملت است از دیگر مصادیق خطاهای غیر قابل گذشت این دستگاه عریض و طویل است.

۵) خالی بودن دست مسئولان سازمان از مفاهیم ایجابی سبب عدم شناخت صحیح از ظرفیتهای انقلاب شده و بهانه‌ای برای پرداختن بیش از حد به مقوله‌ای چون فوتبال گشته است، که این خود سبب تشکیل مافیای رسانه‌ای در ورزش و ضربه خوردن ورزش گردیده و اینگونه است که شاهدیم مرگ یک دروازه بان سابق، رسانه‌ی ملی را در شب میلاد محبوب‌ترین چهره شیعه سیاه پوش می‌کند و یا یک جوان بیست و چند ساله، آنقدر از رانت صدا و سیما در مستطیل سبز بهره می‌برد که درآمد یکساله‌اش بیش از حقوق تمام عمر یک کارمند ساده می‌شود.

بگوییم غلبه نگاه سیاسی بر نگاه فرهنگی مسئولین سازمان را علت این وضعیت و حداقل شدن ظرفیت‌های ایجابی رسانه ملی را معلول آن می‌دانیم. جناب آقای ضرغامی بدانند که امروز رسانه‌ی به اصطلاح ملی، کار را به استخوان دوست‌داران انقلاب رسانده است.

هفتم) ورزش و جوانان

در دهه‌ی چهارم انقلاب یعنی دهه‌ی پیشرفت و عدالت، بی تردید یکی از مهمترین امتیازات جمهوری اسلامی، خیل عظیم جوانان انقلابی و متعهد و مستعدی‌ست که می‌توانند موتور پیش‌ران حرکت شتابان کشور به سوی پیشرفت و عدالت باشند. حال که وزارت ورزش و جوانان به عنوان متولی این امر در کشور تشکیل یافت و وزیر خود را نیز شناخت لازم دیدیم برخی دغدغه‌ها در خصوص جوانان را در محضر حضرت‌تعالی مطرح کنیم.

اول:: اشتغال

مسئولان، در حالی خبر از آمار بالای ایجاد اشتغال در کشور می‌دهند، که این امر چندان برای جوانان ملموس نیست. با توجه به توسعه‌ی آموزش عالی در کشور و افزایش روزافزون فارغ‌التحصیلان؛ به نظر می‌رسد تناسبی بین فرصت‌های شغلی و این خیل دانش‌آموخته که حال سطح توقعش از شغل و منزلت اجتماعی بسیار بیشتر است، وجود ندارد. بیم آن می‌رود که اگر در گذشته بی‌کاری گریبان‌گیر دیپلمه‌ها بود، امروز این مساله دغدغه‌ی کارشناسان ارشد و دکترها باشد.



دوم: خدمت نظام وظیفه

مردمی کردن جنگ از ایده های نو و بکر حضرت امام بود که با الگوگیری از این روش تا به حال بسیاری از مسائل کشور حل شده و بی تردید باید خدمت نظام وظیفه را هم در این راستا دید. اما وجود برخی قوانین نادرست در باب سربازی، مشکلات پدید آورده است. امروز و در میان برخی جوانان، خدمت وظیفه، تداعی کننده ی دو سال تضییع وقت و احساس بیهودگی ست. علاوه بر این در حالی که جمعیت فارغ التحصیلان مقطع کارشناسی در کشور بیشتر از هر زمانی ست و میل به ادامه ی تحصیل هم وجود دارد مسأله ی سربازی تبدیل به نوعی بی عدالتی در بین پسران و دختران نیز شده است.

بر هم خوردن نسبت جنسیتی در دانشگاه ها، از دست رفتن فرصت های شغلی برای پسران و افزایش سطح توقع دختران از همسر، همه از آثار مدل کنونی خدمت وظیفه ی عمومی ست. علاوه بر این طرح هایی چون پژوهش محور کردن خدمت یا سرباز معلمی و از این دست، ثمره ی قابل توجهی نداشته اند و قابل تسری و تعمیم نیز نبوده اند. سدی که خدمت نظام وظیفه در برابر کسب تجربه ی کاری، تحصیلات یا شروع یک زندگی حداقلی در مقابل پسران قرار می دهد، قابل اغماض نیست و به نظر می رسد قوانین فعلی نمی تواند این مشکل را حل کند و بایست مسئولان امر برای این معضل چاره ای نو بیندیشند.

رهبر!

ضمن تشکر از دغدغه های تان برای فراهم کردن بستر و زمینه های لازم جهت هم سخنی با دانشجویان، به استحضار می رسانیم آنچه به اجمال در این مجال گفته شد، بر اساس رسالت نقادی جریان مستقل از قدرت و ثروت دانشجویی است که در آن خود را بدون خطا و اشتباه نمی دانیم.

حضرت آقا، از آخرین دیدار فرزندان تان، اعضای اتحادیه ی انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه های سراسر کشور با مولایشان؛ نزدیک به هفت سال می گذرد.

خواهشمند است جمع اعضای این اتحادیه را به حضور خود بپذیرید تا کلامتان، جان ما را از سستی و رخوت بشوید و ان شاء الله با توان و اثری مضاعف، پرچم دار ولایت در صحن مقدس دانشگاه باشیم.

والسلام



آقای کامرون! لطفا دیگر دایه عزیز تر از مادر حقوق بشر نشوید



جناب آقای دیوید کامرون

نخست وزیر محترم انگلستان

“اذها الی فرعون انه طغی “۴۳“ فقولاً له قولاً لینا لعله یتذکر او یخشی “۴۴“
سوره طه

سال هاست ظلم زرسالارانِ قدرت طلب را در قالب شعار حقوق بشر می بینیم. اما چه کنیم سلطه رسانه ای استعمار اجازه نداده است که مردم آزاده ی جهان ندای آزادی و آزادگی واقعی را در جهان بشنوند. حال که پیام خمینی کبیر(ره) از شمال آفریقا و خاورمیانه بعد از ۳۰ سال به گوش جهانیان رسیده، هر گوشه از

جهان که در زیر بیرق ظلم قرار دارد، منتظر تلنگری است تا این حقد و عقده چند صد ساله خود را که از ظلم انگاره های ماتریالیستی به دوش کشیده است را بیرون بریزد.

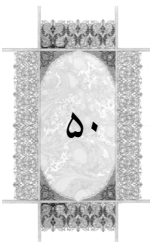
مطمئناً جهان در آینده ای نه چندان دور، دوران جدیدی از نظم نوین حاکم بر جهان را تجربه خواهد کرد که تمامی خیالات پدرخوانده های خود درطراحی خاورمیانه جدید و جهانی سازی را بر باد خواهد داد. دوران چپاول با ابزار رسانه به پایان رسیده است. شاید آن روزی که یک جوان تونسی با خودسوزی خود شروع کننده موج تازه ای از انقلاب های مردمی را به موجب شد، معدود کسانی بودند که تصور می کردند که این شعله بتواند با این سرعت بتواند انبار باروت دل های همه آزاد مردان را مشتعل کند و کاخ و تخت حاکمان ظالم جهان را به لرزه درآورد و این همه از ثمرات احساس عزت ملی مردم ملل مختلف است.

جناب آقای کامرون ما معتقدیم که:

شرایط امروز شما تحقق وعده قریب وصی خمینی کبیر(ره) است، که در تاریخ ۱۴ اردیبهشت گفته بودند: “فقط این نیست که در کشورهای شمال آفریقا و منطقه ی غرب آسیا که امروز ما در آنجا قرار داریم، حرکات بیداری ای به وجود آمده باشد؛ این حرکت بیداری تا قلب اروپا خواهد رفت، آن روزی پیش خواهد آمد که همین ملت های اروپائی علیه سیاستمداران و زمامداران و قدرتمندانی که آنها را یکسره تسلیم سیاست های فرهنگی و اقتصادی آمریکا و صهیونیسم کردند، قیام خواهند کرد”

چند روز پس از این سخنان ایشان، حرکت های اعتراضی در شهرهای مختلف اسپانیا آغاز شد و چندی پس از آن نیز این مردم یونان بودند که به سیاست های دولتمردان خود به شدت اعتراض کرده و به خیابان ها آمدند.

و امروز این شما هستید که مجبورید که تعطیلات تابستانی خود در ایتالیا را نیمه رها کنید و به انگلستان برگردید چرا که یک هفته است که شرایط جدیدی را در کشور متبوعتان روی داده است. لذا به جهت رسالت روشنگری خویش و اطمینان از مشیء کبک گونه شما و هم کیشانتانجهت ثبت در تاریخ نکاتی چند را یادآور شویم در تبیین حقوق بشر و وضعیت آن در انگلستان. هر چند به تعبیر قرآنی شما نه گوش شنوا دارید نه چشم بینا. که این از ویژگی های عصر فرامردن شماست.



آقای کامرون؛

یک هفته پیش یک جوان سیاه پوست به نام مارک دوگان ۲۹ ساله در یک راهپیمایی آرام مورد شلیک مستقیم پلیس قرار گرفته و کشته شد. سپس صدها نفر از مردم در اعتراض به این حرکت وحشیانه پلیس تحت امر شما، دست به راهپیمایی آرام می زنند که با واکنش شدید پلیس مواجه شده و کار به درگیری میان آن ها می انجامد. صدها نفر بازداشت شده و ده ها نفر زخمی راهی بیمارستان می شود. این بار درگیری ها و اعتراضات به همین یک روز ختم نمی شود و در روزهای بعدی با تسری به دیگر شهرهای انگلیس قیام محرومین اوج میگیرد. بر اساس گزارش های رسیده ناآرامی ها به مناطق دیگری از لندن به غیر از تاتنهام کشیده شده و شهرهای دیگری چون بیرمنگام، لیورپول و بریستول نیز شاهد ناآرامی های گسترده شدند. حالا پس از گذشت یک هفته تلخ تعداد کشته شدگان به ۴ نفر رسیده است. دو نفر از این افراد به نام های "هارون حسین"، "۳۲ ساله" و "شهاد حسین" ۳۰ ساله که با هم برادر بودند در دم جان باختند و نفر سوم "عبدال مصور" نیز که جوانی ۲۲ ساله بود بر اثر شدت جراحات وارده در بیمارستان جان باخت. این جوانان توسط خودرویی که گفته می شود از سوی غارتگران رانده می شده، با سرعت بسیار بالایی زیر گرفته و کشته شدند.

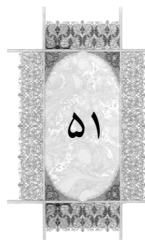
نخست وزیر انگلستان؛

آقای جین مریوت کاردار سفارت بریتانیا در تهران در یادداشتی که در سایت سفارت خانه انگلستان در ایران منتشر شده است، آورده اند که: "نیروی پلیس حرفه ای و آموزش دیده ما پیشاپیش [اجرای] این طرح قرار دارد. آن ها عالی ترین استانداردهای حرفه ای را تا کنون به اجرا گذاشته و اطمینان حاصل کرده اند که روند صحیح در جریان بازگرداندن آرامش به خیابان ها رعایت شده و از تحریک و بروز هر شرایطی که این روند را دشوار کند اجتناب کرده اند." که شما و دیگر مقامات مسئول نیز بارها در کنترل بودن شرایط و آموزش دیده بودن نیروهای پلیس را تأکید و تأیید کرده اید. حال با این شرایط برای ما چندسوال مطرح است.

۱) اگر شرایط در اختیار و کنترل شده است، پس چرا روز به بر تعداد کشته ها و شدت درگیری ها افزوده می شود. جواب از دو حالت خارج نیست؛ یا این اظهار نظری شما کذب محض است و یا خود شما در هدایت درگیری ها و شدت بخشیدن به اعتراضات نقش دارید!!!

۲) اگر پلیس شما دارای عالی ترین استانداردهای حرفه ای می باشد پس چرا در خاتمه دادن به این تحرکات ناتوان بوده است. آیا تا به حال تصاویر دردناک برخورد پلیس با معترضان را دیده اید. تصویر مردی که زیر نعل اسب پلیس به خاک و خون کشیده شده است.

یا آن مرد بی دفاع پای خود را در دندان های سگ ها می بیند و راهی برای فرار ندارد. این چه تعبیری از حقوق بشر و برخورد با معترضین محروم است که پلیس را بر آن می دارد تا با اسب و سگ به جان آن ها بیافتند. استفاده از ماشین های آب پاش و گلوله های پلاستیکی که اگر با سر مردم برخورد کند، می تواند جان آن ها را بگیرد چه توجیهی دارد؟



آقای دیوید کامرون؛

کریستین جونز یکی از فرماندهان پلیس لندن گفته است: "هر کسی که در ارتکاب این جرایم شرکت داشته است شک نکند که ما وی را شناسایی خواهیم کرد و تحت پیگرد قرار خواهیم داد. ما تا کنون شمار زیادی را دستگیر کرده ایم و تیمی داریم که تصاویر ضبط شده در دوربین های سطح شهر را برای یافتن مجرمان بررسی می کند." این منطق شما در برخورد با مردمی است که از مشکل معیشتی به ستوه آمده اند. مشکلاتی که شما از بابت جنگ در عراق، افغانستان و لیبی برای مردم خود به ارمغان آورده اید.

مالیات هنگفتی که در این شرایط رکود از مردم گرفته می شود تا مخارج میلیارد پوندی این جنگ ها را تأمین کند، از جیب مردمی گرفته می شود که اسیر رسانه های دروغ شده اند. پول خود را صرف کسب به اصطلاح دموکراسی برای مردم دیگر کشورها می کنند، غافل از آنکه خود اسیر دیکتاتوری قرون ماقبل وسطایی، در بسته بندی شیک شده اند. مردم شما در بدترین وضعیت اقتصادی مجبورند مراسم عروسی "شاهزاده ویلیام" و نامزدش، "کیت میدلتون" باشند که فقط به دلایل قبایلی از جییشان مراسمی، همراه با تجمل بی حد و حصر را شاهد باشند، واگر اعتراض کنند آن ها با القایی همچون آنارشیزست مورد خطاب قرار می دهند. بسیاری از افرادی که در اعتراضات شرکت می کنند کودکان هستند و با آن ها همانند یک دشمن رفتار می شود.

آقای کامرون:

شما و اعضای دولتتان همچون جرج اوسبوم، رئیس خزانه داری و بوریس جانسون، شهردار لندن زمانی که عضو باشگاه بولینگدون بودید در رستوران ها سروصدا و آشوب می کردید. اما والدین شما آن قدر ثروت مند بودند که هزینه خسارات آن ها را می دادند.

در حال حاضر نیز بیش از دوازده میلیونر در کابینه دولت شما وجود دارد. آن ها به اصطلاح جایی نمی خوابند که زیرشان آب برود. آن ها هیچ هم دلی با جوانان ندارند، همان طور که شما هم گوشی برای شنیدن فریاد محرومین ندارید.

آقای کامرون نماینده حقوق بشر در جهان منهای غرب!

خوب است بدانید که در موارد عدیده نقض حقوق بشر در گوشه و کنار جهان توسط کشورهای غربی نادیده گرفته می شود ایران با وجود پیشرفت های اساسی در بخش های مختلفی از جمله در مسئله زنان، کودکان، بهداشت و درمان، آموزش، مهاجران و تعامل سازنده با نهادهای بین المللی باز هم هدف دشمنی و کینه توزی کشورهای غربی به رهبری آمریکا و شما می شود. ناراحت کننده این حقیقت است که آمریکا و اعضای نام آور اتحادیه اروپا اصلی ترین حامیان گروهک های تروریستی مخوف و خطرناک مانند منافقین (مجاهدین خلق)، پژاک و دارو دسته ریگی هستند که همه نوع کمکی از آمریکا فرانسه و آلمان دریافت می کنند.

رهبران این گروهک های تروریستی که مسوول کشتار صدها زن و مرد و کودک ایرانی هستند پیوسته با اعضای مجالس آمریکا، آلمان و فرانسه در ارتباط هستند و مهمتر از همه اینکه دولت های این کشورهای اروپایی چگونه بشردوستانی هستند که به آنها پناه می دهند و از آنها حمایت و پذیرایی می کنند.

یکی از دستاوردهای بزرگ جمهوری اسلامی در ۳۰ سال گذشته این بوده است که یک دموکراسی مبتنی بر عقلانیت اسلامی در این کشور پدید آورده است که اسباب پیشرفت جامعه ما را در همه ابعاد پدید آورده است.



این دستاوردها در کمتر از سه دهه ما را به یکی از بزرگترین دموکراسی های منطقه تبدیل کرده است. کشور ما هم اینک توانایی غنی سازی سوخت برای رآکتور را پیدا کرده، ما یکی از کشورهایی شده ایم که توانایی راهیابی به فضا و قرار دادن ماهواره در مدار را به دست آورده است. این انقلاب ایران را به کشور شماره یک در بحث سلول های بنیادی و شبیه سازی تبدیل کرده است.

چگونه است که اعتراضات در کشور ما از نظر شما دموکراسی را نابود می کند اما در کشور شما این طور نیست؟ اگر وجود اعتراض نشانه نبود دموکراسی است، پس این اعتراضات گسترده ای که ما هر روز در امریکا و انگلیس شاهد آن هستیم چیست؟ این اعتراضات گسترده ای که گاه و بیگاه در فرانسه روی میدهد و در تنها یکی از آنها هزاران نفر دستگیر شدند و حتی عده ای کشته شدند چیست؟ هدف شما از همه غوغا و آشوب چیست؟

آقای کامرون یادآوری می کنیم که

نمایندگان غرب مدعی اند که کشورشان نگران نقض حقوق بشر در ایران است ولی اینان آگاه هستند که زمانی که قطعنامه ای برای محکومیت اسرائیل در کشتار مردم بیگناه غزه در جریان بود همین کشورها که نگران بشریت است به آن رای منفی داد. کدام نگرانی درباره حقوق بشر؟ چشم بستن روی کشته شدن صدها مرد و زن بیگناه فلسطینی در غزه؟

اصلی ترین نقض کنندگان حقوق بشر به شکل گسترده در سراسر جهان کشورهای غربی و علی الخصوص آمریکا و اسرائیل هستند اما همه اعمال ظالمانه و ضد بشری آنها نادیده گرفته می شود.

آقای کامرون از منظر ما:

دنیا، دنیای زورگویی است؛ دنیای ظلم است؛ دنیای خوبی نیست؛ دنیای بدی است؛ دنیای جاهلیت است؛ دنیای غلبه ی شهوترانها و زورگوها بر اکثر مردم جهان است. رفتار شما و هم پیمان های شما؛ برای اطماع خودتان، برای حرص خودتان، برای پشتیبانی و حمایت از کمپانی های مورد تأییدتان، برای پر کردن جیب های کمپانی داران و سرمایه داران بزرگ، چه فجایی در دنیا دارد اتفاق می افتد؛ البته زیر نام نیک شعارهای توخالی و دروغین مبارزه با تروریسم.

جنگ طلبید، اسم صلح را می آورید و زیر تابلوی صلح می ایستید؛ برای انسانها و بشر هیچ حق و اعتباری قائل نیستید، زیر تابلوی حقوق بشر قرار میگیرید؛ اهل تجاوزید، تجاوز جزو سیاستهای اصلی کارهایتان است، ادعای مقابله با تجاوز میکنید؛ در سیاستهای خودتان، در رفتارهای خودتان، از همه ی شیوه های کثیف استفاده میکنید و بهره میگیرید؛ از ترور استفاده میکنید، سازمانهای تروریست به وجود می آورید، شرکتهای تروریست استخدام میکنید - که اینها چیزهای واضح امروز دنیا است - در عراق و افغانستان نمونه اش قابل مشاهده است. در آنجاهایی که کودتا راه انداخته اید، تجاوزی که به کشورها شده، در عین حال یک ظاهر آرام، اتو کشیده، ادکلن زده، با الفاظ مناسب، می آید در مقابل چشم مردم ظاهر میشود، با افکار عمومی مردم بازی میکنند. مبنای کارتان بر فریبکاری است. غرور و اعتماد به پایه های پوшالی قدرتی که در اختیاران هست، اختیار را از دستتان خارج می کند.



آقای کامرون! لطفاً دیگر دابه عزیز تر از مادر حقوق بشر نشوید

آقای کامرون، نخست وزیر دلسوز مردم!

ما حق داریم و می‌توانیم تحقیر و تکبر دولت‌های سلطه‌گر را به خودشان برگردانیم؛ این احساس صادق ملت‌های ما و نسل کنونی دنیای اسلام از شرق آسیا تا قلب آفریقا است و این، میدان جهادی پیچیده و متنوع و دشوار و بلندمدت است. آیا شما می‌توانید ادعا کنید که اصلاً حقوق بشر را فهمیده‌اید؛ چه رسد به طرفداری از حقوق بشر؟! شمایی که وقتی می‌خواهید راجع به دولتهای مخالف خودتان حرف بزنید، مثل نقل و نبات همین‌طور کلمه‌ی حقوق بشر از دست و رویتان می‌ریزد! هر کس را بخواهید متهم می‌کنید، به نفی حقوق بشر یا به عدم مراعات حقوق بشر متهم می‌کنید؛ مثل این که بانی حقوق بشرید! شما چه می‌فهمید که حقوق بشر چیست؟! شما که علیه ملت فلسطین چنین خیانتی را روا می‌دارید و با صهیونیستهای نژادپرست این‌گونه همدست و همراه و حمایت‌کننده‌ی آنها هستید، چه می‌فهمید که حقوق بشر چیست؟! شما چه حق دارید که درباره‌ی حقوق بشر حرف بزنید؟

